

جنگ و آواره‌گی در جلریز؛

طالبان تلاش دارند مردم را به بیعت وادار سازند



شماری از باشندگان منطقه سرچشمه ولسوالی جلریز و نماینده‌گان میدان وردک در مجلس نماینده‌گان، می‌گویند که گروه طالبان از مجبورت مردم سوءاستفاده کرده و از باشندگان این منطقه بیعت خواسته است. باشندگان منطقه سرچشمه می‌گویند مردم به دلیل این که حمایت دولت را ندارند، مجبورند با گروه طالبان یکجا شوند و از آنان حمایت کنند. به گفته آنان، در غیر آن صورت گروه طالبان بالای مردم حمله کرده و مردم را به زور وادار به تسلیم و تبعیت از خود می‌کند. برخی از نماینده‌گان میدان وردک از بی‌بروایی نهادهای امنیتی در این منطقه انتقاد می‌کنند و می‌گویند که به دلیل عدم حمایت و توجه دولت، طالبان بر این منطقه حاکم شده و از مردم بیعت خواسته‌اند.

۳



جنگ، کرونا و کاهش بارندگی؛

امنیت غذایی در سال ۲۰۲۱ کاهش می‌یابد

۲



اعلان ابرازعلاقه

دفتر سازمان صحتی جهان مقیم در کابل افغانستان، به تعداد ۳ نوع درخواست ابرازعلاقه را برای بخش‌های ذیل اعلان می‌نماید. این ابرازعلاقه‌ها برای اضافه نمودن فروشندگان جدید به لیست موجوده و اشتراک فروشندگان برای پیشنهادهای آینده می‌باشد.

۱. تجهیزات و خدمات

IT (EOI-AFG-01-01-2021)

۲. خدمات چاپی (EOI-AFG-01-02-2021)

۳. لوازم لابراتوار، ادویه‌جات، تجهیزات و لوازم طبی

(EOI-AFG-01-03-2021)

بنابراین، از اشخاص علاقه‌مند تقاضا می‌شوند برای به دست آوردن درخواست به ایمیل ذیل به تماس شوند.

emacoafgtenders@who.int

تاریخ نهایی دریافت معلومات خواسته شده الی ۱۰ March ۲۰۲۱ قابل پذیرش می‌باشد.

سرنوشت مبهم توافق نامه دوحه

مذاکرات صلح ایالات متحده آمریکا و طالبان که منجر به امضای توافق نامه دوحه شد، کاملاً دور از چشم جمهوری و مقامات آن پیش می‌رفت و در این روند جمهوری کاملاً به حاشیه رانده شده بود. آمریکا و طالبان به جمهوری به عنوان نظمی که تاریخ مصرفش تمام شده است، می‌دیدند.

۴



غنی و خلیل زاد در مورد گام‌های بعدی روند صلح گفت‌وگو کردند

راستای برقراری صلح در افغانستان به رییس جمهور غنی اطمینان داده است.

گزارش‌هایی پیش از این به نشر رسیده بود که محمدآشرف غنی در دور قبلی سفر خلیل‌زاد از دیدار با او امتناع کرده است.

دور تازه سفر خلیل‌زاد به منطقه در پیوند به روند صلح افغانستان در یک ساله‌گی امضای توافق نامه دوحه که زیر بررسی دولت جدید امریکا است، آغاز شده است.

او پیش از چاشت روز دوشنبه با عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی نیز دیدار کرده بود.

وزارت خارجه امریکا مأموریت این دور از سفرهای خلیل‌زاد را گفت‌وگو با رهبران افغانستان، نماینده‌گان طالبان و کشورهای منطقه در پیوند به روند صلح افغانستان، دست‌یابی به توافق سیاسی و هم‌چنان برقراری آتش‌بس جامع عنوان کرده است.

این اولین سفر خلیل‌زاد پس از تعدد مأموریتش به عنوان نماینده ویژه امریکا در دولت بایدن است.



۸صبح، کابل: زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان پیش از چاشت روز دوشنبه، یازدهم حوت با محمدآشرف غنی، رییس جمهور در ارگ ریاست جمهوری دیدار کرد.

طبق اعلام ارگ ریاست جمهوری، دو طرف در این دیدار درباره گام‌های بعدی در روند صلح گفت‌وگو و بر تسریع این روند تأکید کرده‌اند. ارگ ریاست جمهوری می‌گوید که زلمی خلیل‌زاد از اجماع داخلی و دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی برای روند صلح ابراز خرسندی کرده است.

خلیل‌زاد هم‌چنان از نقش موثر امریکا در

پنج منسوب امنیتی که سرباز موظف در قراول وزارت امور داخله را لتوکوب کرده بودند، برکنار شدند

۸صبح، کابل: وزارت امور داخله اعلام کرده است که پنج منسوب امنیتی که سربازان قراول این وزارت را تهدید و یک تن از آنها لتوکوب کرده بودند، برکنار شده‌اند.

طارق آرین، سخنگوی وزارت امور داخله، روز دوشنبه، یازدهم حوت، گفت که این پنج نفر در دهم حوت «موظفان امنیتی» قراول وزارت امور داخله را تهدید و یک تن از آنها را لتوکوب کرده بودند. به گفته آرین، عبدالصبور قانع، معین ارشد امنیتی وزارت امور داخله پس از آگاهی از این موضوع، پنج منسوب امنیتی را برکنار و به برای تحقیق بیشتر به ریاست

عمومی امنیت داخلی وزارت امور داخله معرفی کرده است. سخنگوی وزارت امور داخله گفته است که معین ارشد قراول وزارت امور داخله به نشر رسیده است، نشان می‌دهد که یکی از آنها یک سرباز را لتوکوب می‌کند. کاربران شبکه‌های اجتماعی گفته‌اند که افراد از محافظان معین وزارت امور داخله بوده‌اند. طارق آرین درباره نسبت این افراد به معین وزارت امور داخله چیزی نگفته است.

#آرپانا_از_شماست



انتقال مریضان با خدمات ویژه
به کشور هندوستان

شنبه دو شنبه پنج شنبه

KABUL - DELHI DEP: 10:00 AM Local Time ARR: 01:00 PM Local Time
DELHI - KABUL DEP: 02:30 PM Local Time ARR: 03:30 PM Local Time

+93 (0) 790 07 1333 | flyariana.com | 1333



مسیر پیشرفت مذاکرات بین‌افغانی از تعدیل توافق‌نامه دوحه می‌گذرد

مأموریت فرستاده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان در سفرش به کابل، جست‌وجوی راه‌هایی برای عبور از بن‌بست به وجود آمده در توافق‌نامه دوحه و مذاکرات بین‌افغانی است. این اولین سفر رسمی زلمی خلیل‌زاد به کابل پس از تمدید مأموریت او از سوی اداره جو بایدن به عنوان فرستاده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان است. وزارت خارجه امریکا در اوایل ماه دلو اعلام کرد که مأموریت زلمی خلیل‌زاد را تمدید کرده است. او که روز گذشته وارد کابل شد، پس از دیدار و گفت‌وگو با مقامات افغان، برای بحث در باره روند صلح افغانستان، به قطر و شماری از کشورهای منطقه خواهد رفت. خلیل‌زاد در سفرش به قطر با گروه طالبان، عامل بن‌بست مذاکرات بین‌افغانی، دیدار و گفت‌وگو خواهد داشت.

زلمی خلیل‌زاد احتمالاً پیشنهادات تازه‌ای را نیز با خود به کابل و دوحه، دو کانون اصلی تصمیم‌گیری در باره آینده افغانستان، آورده است. این که پیشنهادات تازه او به نماینده‌گی از اداره جدید امریکا برای دولت افغانستان و گروه طالبان چیست، تا هنوز به صورت دقیق روشن نیست. با این حال، می‌توان گمان برد که بازنگری توافق‌نامه دوحه، رهایی هفت‌هزار زندانی طالبان و یا بخشی از آن‌ها با شرط کاهش خشونت‌ها و تمدید مأموریت نیروهای خارجی پس از ماه می از پیشنهادات او برای گروه طالبان و دولت افغانستان خواهد بود.

فرستاده ویژه امریکا هم‌چنان دیدگاه‌های مقامات دولت افغانستان و گروه طالبان در باره بن‌بست توافق‌نامه دوحه و مذاکرات بین‌افغانی را یادداشت‌برداری خواهد کرد. او برای گزارش سفرش به وزارت خارجه امریکا به این یادداشت‌ها نیاز دارد و اساساً یکی از اهداف سفرش نیز همین کار است. زلمی خلیل‌زاد در سفر جاری خود غیر از ارایه پیشنهادات دستگاه دیپلماسی امریکا، توصیه دولت افغانستان و گروه طالبان به انعطاف و از سرگیری مذاکرات و یادداشت دیدگاه‌های دو طرف، کار دیگری انجام نخواهد داد. بنابراین، او به افغانستان و قطر نیامده است تا تصمیم اداره بایدن را برای دولت و طالبان اعلام کند و از آن‌ها بخواهد که مطابق آن رفتار کنند. تا تصمیم‌گیری در باره عبور از بن‌بست توافق‌نامه و بن‌بست مذاکرات، راه درازی در پیش است و سفر خلیل‌زاد به کابل و دوحه، سرآغاز این راه طولانی است.

زلمی خلیل‌زاد علاوه بر افغانستان و قطر از شماری از کشورهای منطقه که به گفته امریکا منافع‌شان با صلح عادلانه و پایدار در افغانستان گره خورده است، نیز سر خواهد زد. او در سفرش به کشورهای منطقه از دیدگاه آن‌ها در باره روند صلح افغانستان خواهد پرسید و طبق معمول این کشورها را به ایفای نقش فعال‌تر در این روند ترغیب خواهد کرد. در مجموع، هدف احتمالی سفر خلیل‌زاد به کشورهای منطقه، امکان‌سنجی زمینه‌های همکاری آن‌ها با روند صلح افغانستان و ارزیابی ظرفیت این کشورها برای بهره‌برداری در این خصوص است.

نکات جنجالی توافق‌نامه دوحه و عوامل بن‌بست مذاکرات صلح کاملاً روشن است. بندهای مربوط به رهایی هفت‌هزار زندانی طالبان و رفع تعزیرات علیه این گروه از موارد جنجالی توافق‌نامه دوحه و از عوامل بن‌بست آن است. فرستاده ویژه امریکا در سفرش به کابل و دوحه باید راه‌هایی را برای عبور از این بن‌بست با توجه به وضعیت مذاکرات بین‌افغانی و واقعیت‌های میدان جنگ افغانستان جست‌وجو کند. زلمی خلیل‌زاد هم‌چنان باید در باره خروج سربازان خارجی در ماه می و یا تمدید مأموریت آن‌ها نیز با طالبان گفت‌گو کند. بدیهی است که این بند از توافق‌نامه دوحه مایه نگرانی دولت افغانستان و جامعه جهانی است و ضرورت جدی به تعدیل دارد.

با بن‌بست توافق‌نامه دوحه و بی‌پروایی طالبان به تعهد کاهش خشونت، مذاکرات بین‌افغانی نیز دچار بن‌بست شده است. یعنی عامل بن‌بست مذاکرات بین‌افغانی، بن‌بست توافق‌نامه دوحه و تشدید خشونت‌ها از سوی طالبان است. ضمن آن که بازگشت زندانیان رهاشده طالبان به صفوف جنگ، از میزان صداقت این گروه در مذاکره با جانب دولت کاسته و باعث بی‌اعتمادی دولت نسبت به این گروه شده است. بنابراین، تا زمانی که عامل این بن‌بست از بین نرود، مذاکرات بین‌افغانی نیز از سر گرفته نخواهد شد. اگر زلمی خلیل‌زاد بتواند در گفت‌وگو با طالبان زمینه تعدیل واقع‌بینانه توافق‌نامه دوحه را فراهم کند، مأموریتش در عبور مذاکرات بین‌افغانی از بن‌بست نیز موفق خواهد بود. بندهای تعدیل‌پذیر توافق‌نامه دوحه شامل زمان خروج سربازان بین‌المللی، رفع تعزیرات علیه طالبان و رهایی زندانیان باقی‌مانده این گروه از بند دولت می‌شود. بدون تعدیل این بندها و پابند کردن طالبان به کاهش خشونت‌ها، ممکن نیست که بن‌بست مذاکرات بین‌افغانی بشکند. بنابراین، اگر امریکا به دنبال پیش‌رفت مذاکرات بین‌افغانی است، باید زمینه این پیش‌رفت را از راه تعدیل توافق‌نامه و پابند کردن طالبان به کاهش خشونت‌ها فراهم کند. در غیر این صورت، نیاز است که فرمول تازه‌ای برای آغاز مذاکرات بین‌افغانی به کار گرفته شود و یا جنگ را وارد فصل دیگری سازد.

کرزی در دیدار با خلیل‌زاد:

هیچ بهانه‌ای نباید سبب تأخیر و بن‌بست در روند صلح شود



اصبح، کابل: حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین کشور در دیدار با زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان گفته است که خواست مردم کامیابی سریع روند صلح است و نباید هیچ بهانه‌ای سبب تأخیر و بن‌بست در این روند شود. طبق اعلام دفتر حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین روز دوشنبه، یازدهم حوت با زلمی خلیل‌زاد و اسکات میلر، فرمانده عمومی نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان دیدار و در پیوند به روند صلح گفت‌وگو کرده است. حامد کرزی در این دیدار تأکید کرده است که

باید خون‌ریزی و جنگ در کشور هر چه زودتر خاتمه یابد. او هم‌چنان گفته است که صلح آرزوی ملی و حیاتی و حق مسلم هر افغان است. رئیس جمهور پیشین کشور تأکید کرده است که خواست مردم افغانستان این است که روند صلح هر چه زودتر کامیاب شود و هیچ بهانه‌ای نباید سبب تعویق روند صلح و بن‌بست در این روند شود. حامد کرزی هم‌چنان برای کامیابی روند صلح بر هم‌آهنگی و همکاری امریکا با کشورهای بزرگ منطقه تأکید کرده است.

کرزی نقش سازمان ملل متحد را نیز در تأمین صلح در کشور موثر توصیف کرده است. خلیل‌زاد که در جریان اولین سفر خود پس از تمدید مأموریتش به عنوان نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان در کابل به سر می‌برد، با رئیس جمهور غنی و عبدالله عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه ملی نیز دیدار کرده است. گزارش شده است که خلیل‌زاد با شمار دیگر از رهبران سیاسی از جمله گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی نیز به صورت آنلاین درباره روند صلح گفت‌وگو کرده است.

عبدالله و خلیل‌زاد درباره بازنگری توافق‌نامه دوحه از سوی امریکا گفت‌وگو کردند



اصبح، کابل: زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان پیش از چاشت روز دوشنبه، یازدهم حوت با عبدالله عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه ملی در کاخ سپیدار دیدار کرد.

در این دیدار معاونان شورای عالی مصالحه ملی و هیأت همراه زلمی خلیل‌زاد نیز حضور داشته‌اند. طبق اعلام سپیدار، دو طرف درباره مذاکرات صلح، بازنگری توافق‌نامه دوحه و روند مذاکرات صلح از سوی اداره جدید ایالات متحده امریکا، تسریع روند مذاکرات صلح، دور دوم مذاکرات در دوحه، کاهش خشونت‌ها، راه‌های پیش‌رفت در مذاکرات صلح و دست‌یافتن به صلح دایمی بحث و تبادل نظر کرده‌اند.

جزئیات بیشتری از سوی سپیدار درباره گفت‌وگوی عبدالله عبدالله و خلیل‌زاد درباره بازنگری توافق‌نامه دوحه به نشر نرسیده است. دولت جدید امریکا به رهبری جو بایدن اعلام کرده است که توافق‌نامه دوحه را بررسی می‌کند تا روشن شود که طالبان به تعهداتش پای‌بند بوده است یا خیر.

از امضای این توافق‌نامه یک سال می‌گذرد و طالبان متهم هستند که به برخی از تعهدات اصلی خود در این توافق‌نامه پای‌بند نبوده‌اند. گفتنی است که زلمی خلیل‌زاد اولین سفرش را پس از تمدید مأموریتش به عنوان نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان آغاز کرده است.

وزارت خارجه امریکا گفته است که او در این سفر با رهبران افغانستان، نماینده‌گان طالبان و کشورهای منطقه که منافع‌شان به توافق سیاسی عادلانه و پایدار و همین‌طور آتش‌بس دایمی در افغانستان گره خورده است، گفت‌وگو می‌کند.

وزارت صحت عامه: دلیل فوت کارمند شفاخانه ولایتی بامیان، تزریق واکسن کرونا نیست

اصبح، بامیان: وزارت صحت عامه جان باختن یک کارمند بخش برق شفاخانه ولایتی بامیان بر اثر تزریق واکسن کرونا را رد کرد. پس از چاشت روز گذشته شماری از کادر صحتی و کارمندان شفاخانه ولایتی بامیان واکسن کرونا دریافت کرده بودند که یک کارمند بخش برق این شفاخانه حدود ۱۳ ساعت پس از دریافت واکسن جان باخت است.

دستگیر نظری، سخنگوی وزارت صحت عامه با ارسال یک پیام تصویری به خبرنگار روزنامه اصبح، ضمن تکذیب خبرها مبنی بر جان باختن این کارمند صحتی بر اثر واکسن کرونا، دلیل مرگ او را فشار خون بلند و سکنه قلبی عنوان کرده است.

بر بنیاد گفته‌های آقای نظری، تاکنون بیش‌تر از ۱۲ هزار کارمند صحتی در سطح کشور واکسن شده‌اند و همین‌طور حدود ۴۰ میلیون نفر در هند از همین واکسن دریافت کرده‌اند که هیچ مورد فوتی در پی نداشته است. وی تصریح کرد که براساس یافته‌های ابتدایی، این قضیه هیچ ربطی به واکسن کرونا ندارد و سوابق بیماری‌های کارمند فوت شده شفاخانه ولایتی بامیان نشان می‌دهد که او مشکل قلبی و تنفسی داشته است. تطبیق واکسن کرونا از هفته گذشته در سراسر کشور آغاز شد که قرار است در مرحله نخست، کادر صحتی و نیروهای امنیتی و دفاعی واکسن دریافت کنند.

وزارت دفاع ملی از کشته‌شدن ۱۶ شهروند پاکستانی عضو شبکه القاعده در کاپیسا خبر داد



اصبح، کابل: وزارت دفاع ملی از کشته‌شدن ۱۶ شهروند پاکستانی عضو شبکه القاعده در دره افغانیه ولسوالی نجراب ولایت کاپیسا خبر داده است.

عملیات نیروهای امنیتی در این دره از مدتی به این سو جریان دارد. این عملیات از سوی نیروهای مشترک امنیتی و با حمایت نیروهای هوایی اجرا می‌شود.

فواد امان، معاون سخنگوی وزارت دفاع ملی، روز دوشنبه، یازدهم حوت گفت که در ادامه این عملیات، ۳۰ تن از اعضای طالبان به شمول ۱۶ شهروند پاکستانی و عضو شبکه القاعده کشته شده‌اند.

به گفته امان، در این عملیات شش تن دیگر از اعضای طالبان زخمی شده‌اند.

معاون سخنگوی وزارت دفاع ملی در مورد تلفات نیروهای امنیتی جزئیات نداده است.

فواد امان گفت که در این عملیات مقدار زیادی از سلاح و تجهیزات طالبان از بین رفته است و چندین روستا از جمله حاجیان، خلیفه‌گان، ذاکرخیل کوچک و بداخیل دره افغانیه از وجود طالبان به صورت کامل پاک‌سازی شده است.

معاون سخنگوی وزارت دفاع ملی در ادامه گفت که در حال حاضر عملیات در سه نقطه از دره افغانیه جریان دارد.

گروه طالبان در مورد کشته‌شدن اعضای شبکه القاعده که طبق اعلام وزارت دفاع ملی، در صفوف این گروه فعالیت می‌کردند، واکنش نشان نداده است.

طبق توافق‌نامه دوحه، این گروه باید همه روابط خود را با شبکه القاعده و دیگر گروه‌های تروریستی قطع کند. طالبان اما متهم هستند که هنوز با القاعده رابطه دارند و به تعهدات توافق‌نامه دوحه پای‌بند نبوده‌اند.

دولت افغانستان و برخی از نهادهای امنیتی و پژوهشی امریکا همواره از ارتباط نزدیک طالبان با شبکه القاعده سخن گفته‌اند.

امنیت غذایی در سال ۲۰۲۱ کاهش می‌یابد



شبکه سیستم‌های هشدار زودرس قحطی یا «فیوز نت» می‌گوید که با توجه به همه‌گیری کرونا، ادامه خشونت و کاهش بارنده‌گی، امنیت غذایی در افغانستان کاهش می‌یابد. این نهاد گفته است که بارش تجمعی از اوایل عقرب سال گذشته تا کنون به گونه چشم‌گیری کاهش یافته و گسترش کتله‌های برف نیز بسیار کم‌تر از حد اوسط آن بوده است. در گزارش این نهاد آمده است که براساس پیش‌بینی‌ها، میزان بارنده‌گی در بهار پیش‌رو نیز کم‌تر است و منجر به تولید کم‌تر گندم در مناطقی می‌شود که تولیدات آن به باران بسته‌گی دارد. از میان ۳۴ ولایت، دهقانان در ۲۲ ولایت گفته‌اند که میزان بارنده‌گی کاهش یافته است. هرچند وضعیت کنونی امنیت غذایی شهروندان در بیش‌تر ولایت‌ها در حالت فشار خوانده شده، اما با توجه به پیش‌بینی‌ها، بارنده‌گان نه ولایت در یک فاز و حدود ۲۲ ولایت در فاز دیگر در سال روان میلادی حالت بحران ناامنی غذایی را تجربه خواهند کرد. با این حال، این نهاد گفته است که کاهش بارنده‌گی بیش‌تر امنیت غذایی روستائینان را تهدید می‌کند و وضعیت شهرنشینان با

کم‌تر نیاز دارد. در این گزارش آمده است که میزان بارش باران و برف در کشور کاهش چشم‌گیری یافته و از نورم آن کم‌تر بوده است.

به گفته این نهاد، وضعیت کنونی روی آب موجود برای آبیاری محصولات در سال ۲۰۲۱ تاثیر می‌گذارد. هم‌چنان مبتنی بر پیش‌بینی‌ها، بارنده‌گی‌های کم‌تر از حد معمول در فصل بهار منجر به تولید کم‌تر در مناطقی می‌شود که کشت در آن به باران بسته‌گی دارد. ناامنی غذایی نیز در پنج حالت حداقل، فشار، بحران، اضطراب و قحطی شرح یافته است. براساس یافته‌های فیوز نت، برداشت محصول در مناطق با ارتفاع کم‌تر در بین ماه‌های می و جون ۲۰۲۱ و در مناطق مرتفع در بین ماه‌های جولای و آگست سبب می‌شود که وضعیت به حالت بحران برسد، اما این وضعیت در میان ماه‌های جون تا سپتامبر در مناطقی که کشاورزی و تولیدات آن وابسته به آب است، به مرحله بحران خواهد رسید.

بدین ترتیب امنیت غذایی باشندگان ولایت‌های غور، دایکندی، ارزگان، میدان وردک، بامیان، سمنگان، بدخشان نورستان و بخش‌هایی از کاپیسا و کنر در میان ماه‌های فبروری تا می سال روان میلادی و از باشندگان ولایت‌های هرات، فراه، غور، باغیس، هلمند، قندهار، ارزگان، زابل، دایکندی، فاریاب، سرپل، جوزجان، بلخ، سمنگان، بغلان، کندز، تخار، بدخشان، نورستان و بخش‌هایی از کنر، کاپیسا و پنجشیر از ماه جون تا سپتامبر سال جاری میلادی به حالت بحرانی خواهد رسید. در این میان تنها امنیت غذایی باشندگان کابل، لوگر، پروان، ننگرهار، پکتیا، پکتیکا، پنجشیر، لغمان و کنر در حالت فشار باقی خواهد ماند. در مناطق شهری اما گفته شده است که اگر فعالیت‌های اقتصادی سبب دسترسی خانواده‌های فقیر به درآمد روزانه شود، وضعیت امنیت غذایی تا سپتامبر ۲۰۲۱ بهبود می‌یابد و به حالت فشار خواهد رسید. در حال حاضر بیش‌تر کارها به دلیل کرونا آسیب دیده و به همین دلیل، وضعیت امنیت غذایی بحرانی خوانده شده است.

این در حالی است که پیش‌تر مسوولان در اداره‌های هواشناسی و تنظیم امور آب تصریح کرده بودند که میزان بارنده‌گی در سال ۲۰۲۰ و اوایل ۲۰۲۱ از حد عادی کم‌تر بوده است. به گفته مسوولان، بارنده‌گی تنها در برخی از مناطق جنوب‌غربی، جنوب و مرکزی در سه ماه خوب‌تر و در سایر مناطق، از نورم پایین‌تر بوده است.

سال ۲۰۲۰ در ۳۲ ولایت بی‌جا شده‌اند. بیش‌ترین بی‌جا شده‌گان را ولایت‌های شمال‌شرقی، شمال و جنوب تشکیل داده و این نهاد به ۸۶ درصد آنان بسته‌های غذایی و کشاورزی توزیع کرده است. در دو ماه اول سال روان میلادی اما جنوب کشور بیش‌تر میزان بی‌جا شده‌گان را داشته است. این نهاد گزارش داده است که حتا جنگ در فصل سرما ادامه یافته و افزون بر سردی هوا، اعمال مالیات غیررسمی بالای تاجران بر افزایش بهای مواد غذایی تاثیر داشته است. در این میان، کرونا نیز آسیب‌هایی به اقتصاد مردم رسانده است.

جدا از این موارد، کاهش بارنده‌گی، دیگر معضل فراراه معیشت شهروندان خوانده شده است. بدین ترتیب میزان بارنده‌گی از اول اکتبر ۲۰۲۰ تا اواخر فبروری سال روان در بیش‌تر کشورها کاهش یافته که افغانستان نیز در آن شامل است. براساس این گزارش، میزان بارنده‌گی در دو ماه اول سال جاری میلادی از نورم در کشور کم‌تر بوده است و به جز رطوبت خاک در نقاط مرتفع که برف در آن جذب شده، در مناطق جنوب، غرب و شمال کشور حتا رطوبت خاک از نورم کم‌تر بوده است. این مورد که در مرحله آبیاری گندم تاثیر دارد، نگرانی‌های دهقانان را به همراه داشته است. بدین ترتیب دهقانان در ۲۲ ولایت از کاهش بارنده‌گی گزارش داده‌اند. دهقانان در نه ولایت دیگر گفته‌اند که بارنده‌گی همانند سال گذشته بوده است و تنها در سه ولایت تصریح کرده‌اند که میزان بارنده‌گی افزایش داشته است.

فیوز نت گفته است که کشت گندم بهاری، به ویژه در مناطق وابسته به بارنده‌گی آغاز شده که معمولاً با باران‌های آخر سال همراه است و تا ماه اپریل کشت می‌یابد. این نهاد هرچند می‌گوید که زمان کشت براساس منطقه و ارتفاع متفاوت است، اما تصریح کرده است که این کشت‌ها منوط به بارنده‌گی آغاز بهار است و اگر باران بیش‌تر بیارد، دهقانان در مناطق وابسته به بارنده‌گی زمین‌های بیش‌تر را برای کشت اختصاص می‌دهند. در غیر آن، گفته شده است که دهقانان محصولات دیگری را جایگزین می‌کنند که به بارنده‌گی

جنگ و آواره‌گی در جلریز؛

طالبان تلاش دارند مردم را به بیعت وادار سازند



میدان احمد حسینی

شماری از باشندگان منطقه سرچشمه ولسوالی جلریز و نماینده‌گان میدان وردک در مجلس نماینده‌گان، می‌گویند که گروه طالبان از مجبوری مردم سوءاستفاده کرده و از باشندگان این منطقه بیعت خواسته است.

باشنده‌گان منطقه سرچشمه می‌گویند مردم به دلیل این‌که حمایت دولت را ندارند، مجبورند با گروه طالبان یکجا شوند و از آنان حمایت کنند. به گفته آنان، در غیر آن صورت گروه طالبان بالای مردم حمله کرده و مردم را به زور وادار به تسلیم و تبعیت از خود می‌کند. برخی از نماینده‌گان میدان وردک از بی‌پروایی نهاد‌های امنیتی در این منطقه انتقاد می‌کنند و می‌گویند که به دلیل عدم حمایت و توجه دولت، طالبان بر این منطقه حاکم شده و از مردم بیعت خواسته‌اند. این نماینده‌گان می‌گویند که مردم از طالبان دیدگاه خوش ندارند و دولت باید ساحه را از وجود گروه طالبان پاک‌سازی و نیروهای امنیتی را برای حمایت از مردم جابه‌جا کند. در همین حال نهاد‌های امنیتی می‌گویند که برای پاک‌سازی منطقه از وجود گروه طالبان برنامه‌هایی روی دست دارند. این مسوولان به مردم اطمینان می‌دهند که از آنان در مقابل گروه‌های مخالف مسلح دفاع می‌کنند.

منطقه سرچشمه از مربوطات ولسوالی جلریز ولایت میدان وردک است. این منطقه با دایم‌راد، وردک و ولسوالی‌های حصله اول بهسود و حصه دوم بهسود هم‌مرز است و باشندگان آن از مردم هزاره‌اند. براساس معلومات باشندگان محل، هزاران خانواده در این منطقه سکونت دارند. طبق گفته‌های باشندگان محل، در منطقه سرچشمه تنها یک پوسته دولتی فعال بوده که به تازه‌گی توسط گروه طالبان سقوط داده شده و این منطقه به دست طالبان افتاده است. اکنون این گروه در تبابی با شماری از باشندگان محل درصدد گرفتن بیعت از مردم این منطقه است.

رجب فطرت، از باشندگان سرچشمه، به روزنامه ۸صبح گفت که این منطقه پس از سقوط یگانه پوسته نیروهای امنیتی، به دست طالبان افتاده و این گروه بر آن

حاکمیت پیدا کرده است. طبق گفته‌های او، گروه طالبان با همکاری برخی از باشندگان محل که با این گروه در ارتباط‌اند، به مردم اطلاع دادند که با این گروه بیعت و حمایت‌شان را از «امارت اسلامی» اعلان کنند. او بیان کرد که هرچند بیش‌تر مردم با این خواست مخالف‌اند، اما از آن‌جایی که حمایت دولت را با خود ندارند، مجبورند به این خواست طالبان تن دهند و «قلعه سبز» دایر شده بود، شرکت کنند. فطرت خاطر نشان کرد که باشندگان این منطقه از رویه و رفتار گروه طالبان به خوبی آگاهی دارند، اما چون حکومت این مردم را حمایت نمی‌کند، ممکن است شماری به این خواست تن دهند و از حاکمیت آنان پیروی کنند. این باشندگان محل وضعیت منطقه را نامناسب توصیف کرد و گفت که دلیل فعالیت و حضور طالبان در این منطقه، اکثر باشندگان آن مهاجر شده‌اند. هرچند وی آمار خانواده‌های بی‌جا شده را مشخص نکرد، اما افزود که اکثر خانواده‌ها در ولایت‌های کابل و بامیان و قریه قصبات امن مسکن گزیده‌اند.

فطرت از عدم همکاری نهاد‌های امنیتی با مردم انتقاد کرد و گفت: «مردم صدای خود را کشیده نتوانسته‌اند. حکومت زمانی اقدام می‌کند که کار از کار تیر شده باشد. در سرچشمه دولت حاکمیت ندارد، فقط نفرهای فرمانده علی‌پور در منطقه سیاه‌خاک هستند. آن‌ها به مردم گفتند در صورتی که طالبان بالای مردم حمله کنند، اقدام می‌کنند.» با این حال او از حکومت خواست که به وضعیت ناهنجار مردم رسیده‌گی کند و مانع فعالیت طالبان در ساحه شود.

حسین باشندگان دیگر منطقه سرچشمه است. او می‌گوید که دولت با مردم همکاری نکرد و گروه طالبان از چهار جهت بالای مردم حمله‌ور شد. به گفته او در نتیجه تعدادی از خانواده‌ها به بامیان و کابل گریختند تا از گزند طالبان در امان باشند. او می‌گوید که اکنون به دلیل عدم حاکمیت دولت در این منطقه، طالبان از مردم

بیعت خواسته‌اند و ممکن است باشندگان منطقه برای حفظ جان و مال‌شان به این خواست طالبان تن دهند. او گفت: «مردم بیعت می‌کنند، چون نه قدرت دارند نه توان. مجبورند با طالبان ساخت‌وباخت کنند. یک پوسته بود خلاص. اگر دولت کمک کند، خوب، اگر نکنند، مردم دست خالی‌اند و هیچ کاری نمی‌توانند.»

در عین حال یکی دیگر از باشندگان محل که نخواست از وی نام برده شود، می‌گوید که گروه طالبان در این جلسه از مردم خواسته است تا با این گروه همکاری باشند. طبق گفته‌های او، طالبان به مردم محل گفته‌اند کسانی که کارمند دولت یا عضو نیروهای امنیتی‌اند، کارشان را ترک کنند و سلاح‌شان را به این گروه تسلیم دهند. در مقابل گروه طالبان تعهد سپرده است که با مردم محل کاری نداشته باشد. علاوه بر آن، وی یادآور شد که گروه طالبان از کسانی که از منطقه بی‌جا شده‌اند، خواسته است که دوباره بر سر زنده‌گی‌شان برگردند. این گروه به مردم وعده داده که در صورت همکاری با این گروه، به آن‌ها کاری ندارد و در ضمن افرادشان از منطقه سیاه‌خاک به بالا تجاوز نمی‌کند. هم‌چنان وی افزود که مردم محل از گروه طالبان خواسته‌اند که مشکل کوچی‌ها با باشندگان این مناطق را حل کنند، طالبان اما به این خواست جواب مشخص ندادند. با این حال برخی از مردم محل می‌گویند که طالبان درصددند تا مردم را به گونه کامل زیر سلطه‌شان بگیرند و به این ترتیب دست نهاد‌های امنیتی را از منطقه کوتاه کنند.

در همین حال مهدی راسخ، نماینده میدان وردک در مجلس نماینده‌گان، می‌گوید که بعد از سقوط پوسته «آسیای خاک‌باد» در منطقه سرچشمه ولسوالی جلریز، یک خلی امنیتی در منطقه به وجود آمده است. به گفته او، این مهم زمینه را برای نفوذ گروه طالبان در منطقه مساعد کرده و این گروه دست به یک سلسله تحرکات زده است. طبق گفته‌های او گروه طالبان روز دوشنبه، یازدهم حوت، مردم منطقه را در «مسجد قلعه سبز» خواسته است تا بیعت مردم منطقه را اخذ کند. وی بیان کرد که

هرچند مردم عام مخالف حضور طالبان در منطقه‌اند، اما تعدادی قلیل هماهنگی را به وجود آورده و زمینه حضور طالبان را در منطقه فراهم کرده‌اند. به این ترتیب آن‌ها از طالبان خواسته‌اند که با مردم کاری نداشته باشند.

مهدی راسخ خاطر نشان کرد که مردم نسبت به طالبان دیدگاه خوش ندارند، زیرا با وجود این گروه، کارهای توسعه‌ای متوقف و آزادی مردم سلب می‌شود. به باور راسخ، مردم خواستار نظام امارت اسلامی نیستند، بلکه مردم قانون و نظام می‌خواهند. وی تصریح کرد که پس از سقوط پوسته آسیای خاک‌باد، نهاد‌های امنیتی کدام اقدام نکردند. او از نهاد‌های امنیتی خواست که خلی امنیتی در ساحه را با جابه‌جایی نیروهای امنیتی پر کنند و برای مردم این منطقه استحکامات لازم امنیتی را فراهم آورند.

نهاد‌های امنیتی اما می‌گویند که برای سرکوب گروه‌های مخالف مسلح دولت در این ولایت برنامه‌هایی دارند. روح‌الله احمدزی، سخنگوی وزارت دفاع ملی، به روزنامه ۸صبح گفت که مسوولیت نیروهای امنیتی و دفاعی کشور، حفاظت از جان و مال مردم است، از این رو در مقابل گروه‌های مخالف مسلح مبارزه می‌کنند و می‌زنند. آقای احمدزی بیان کرد که برای پاک‌سازی ولسوالی جلریز میدان وردک از وجود گروه‌های مخالف مسلح نیز برنامه‌هایی روی دست دارند. او به مردم اطمینان داد که نیروهای امنیتی و دفاعی براساس یک برنامه جامع منظم نظامی، تهدیدهای گروه‌های مخالف مسلح را از بین می‌برند.

جلریز از ولسوالی‌های ناام میدان وردک است. گروه‌های مخالف مسلح فعالیت و حضور گسترده در این منطقه دارند. بارها گزارش‌هایی مبنی بر کشته شدن غیرنظامیان توسط گروه طالبان به نشر رسیده است. هرچند باشندگان محل بارها از حکومت خواسته‌اند که جلو فعالیت گروه‌های مخالف مسلح دولت را بگیرد، اما این تلاش‌ها تاکنون نتیجه نداده و طالبان به صورت چشم‌گیر در این ولسوالی فعالیت دارند.

سرنوشت مبهم توافق نامه دوحه



حبیب حمیزاده

مذاکرات صلح ایالات متحده امریکا و طالبان که منجر به امضای توافق نامه دوحه شد، کاملاً دور از چشم جمهوری و مقامات آن پیش می‌رفت و در این روند جمهوری کاملاً به حاشیه رانده شده بود. امریکا و طالبان به جمهوری به عنوان نظمی که تاریخ مصرفش تمام شده است، می‌دیدند. جمهوری غریب و محتاج برای برگزاری جرگه مشورتی صلح، حدود ۲۵۰ میلیون افغانی هزینه کرد، تا پاسخ چهار پرسش را از ۳ هزار و ۳۱۵ نفر که جمهوری آنان را نماینده‌گان مردم افغانستان اعلام کرد، دریافت کند. در نوبت دیگر، برگزاری لویه‌جرگه با مصرف شبیه به این رقم، به آر آد شدن حدود ۵۰۰۰ نیروی جنگی گروه طالبان منجر شد؛ جنگ‌جویانی که به میدان‌های جنگ برگشتند. حاصل توافق نامه دوحه و مذاکرات طولانی امریکا و طالبان هرچه بود، نصیب نیروهای طالبان شده است.

اکنون پس از یک ساله‌گی توافق نامه دوحه، گروه طالبان آن را هم‌چنان «تاریخی» می‌داند و در اعلامیه‌ای که به مناسبت یک ساله‌گی امضای آن منتشر کرده، از حکومت تازه امریکا خواسته است که به موافقت‌نامه دوحه پایبند بماند و از کشورهای ناظر و حاضر در امضای آن توافق‌نامه نیز خواسته است که تعهد و مسؤلیت‌شان را در قبال حفظ و تطبیق آن ادا کنند. به نظر طالبان، توافق نامه دوحه و روند جاری گفت‌وگوها بدیل ندارد. از دید آنان، توافق نامه دوحه در مسیر مثبت روان است. اما نظر حکومت کابل، یعنی طرف اصلی جنگ با طالبان چیز دیگری است. شورای امنیت جمهوری می‌گوید که «دیگر امیدی به توافق نامه دوحه نیست». در حالی که باید وظیفه حکومت حمایت و دفاع و حفاظت از مردم و نظم دموکراتیک و مخالفت با هرگونه جنگ باشد، مقامات نظامی در کابل اما بارها اعلام کرده‌اند که بهار خونینی در راه است. این یعنی بی‌باوری به مذاکرات و کوبیدن بر طبل جنگ. این یعنی بن‌بست کامل در مذاکرات و نگرانی از شدت گرفتن جنگ و انفجارهای بزرگ در بهار پیش رو.

مذاکرات صلح ایالات متحده امریکا و طالبان که منجر به امضای توافق نامه دوحه شد، کاملاً دور از چشم جمهوری و مقامات آن پیش می‌رفت و در این روند جمهوری کاملاً به حاشیه رانده شده بود. امریکا و طالبان به جمهوری به عنوان نظمی که تاریخ مصرفش تمام شده است، می‌دیدند. جمهوری غریب و محتاج برای برگزاری جرگه مشورتی صلح، حدود ۲۵۰



می‌رسد که حکومت تازه ایالات متحده توافق دوحه را نادیده می‌گیرد و خواستار مذاکره مجدد، یا حداقل تعدیل آن توافق‌نامه است. بازنگری توافق‌نامه دوحه که حکومت جدید امریکا از آن سخن می‌گوید، به معنای خواست‌های جدید ایالات متحده از گروه طالبان است. اما گروه طالبان خواستار تطبیق بی قید و شرط توافق‌نامه است و این اختلاف نظر و تفاوت دیدگاه‌ها و خواست‌های هر دو طرف، سلامت توافق‌نامه دوحه را در معرض خطر باطل شدن قرار داده است. البته این چیزی است که حکومت کابل از آن استقبال می‌کند و می‌پندارد که آن توافق‌نامه به تاریخ پیوسته است.

ایالات متحده امریکا و گروه طالبان پس از هفده ماه مذاکره، در ۲۹ فبروری ۲۰۲۰ توافق‌نامه‌ای را امضا کردند که براساس آن طالبان متعهد شدند، رابطه‌شان را با گروه القاعده و دیگر شبکه‌های تروریستی که دشمن امریکا پنداشته می‌شوند، قطع کنند و در مقابل، ایالات متحده امریکا برای گروه طالبان تعهد سپرد که طی ۱۴ ماه آینده همراه با متحدان جهانی‌اش با همه نیروهای نظامی، کارمندان غیردیپلماتیک، قراردادهای شخصی امنیتی، استادان، مشاوران و کارمندان خدماتی از افغانستان خارج شود. براساس آن توافق‌نامه، امریکا باید تا یک ماه دیگر افغانستان را ترک کند. اما به نظر

طالبان شانس موفقیت ندارند

نفری و ۲۰ نفری طالبان توان مقابله با هزاران سربازی را که از شهرها دفاع می‌کنند، ندارند.

وقتی برای بار اول ۲۵ سال پیش از امروز، طالبان به کابل سرازیر شدند، رضایت امریکا و متحدانش را با خود داشتند. دوستان عربی امریکا سخاوتمندانه طالبان را پشتیبانی می‌کردند. ولی حالا ایالات متحده امریکا با دوستان جهانی‌اش یک‌صدا با بازگشت امارت طالبان مخالفانند.

یکی از عواملی که کشورهای منطقه از جمله ایران، روسیه، چین و اوزبیکستان را در حمایت از طالبان کشانده بود، حضور سنگین نیروهای امریکایی در افغانستان بود. حالا که این حضور به حداقل رسیده است، دلیلی ندارد که طالبان هم‌چنان مورد حمایت قرار بگیرند.

شماری از دیپلمات‌های منطقه توضیح داده‌اند که گروه طالبان شلاقی برای شکنجه امریکا است، نه کاندیدایی برای حکومت کردن در افغانستان. در حال حاضر نشانه‌هایی دیده می‌شود که کشورهای همسایه در حال بازنگری سیاست‌های‌شان در قبال طالبان‌اند؛ زیرا دیگر نیازی برای تحریک و تمویل طالبان نمی‌بینند. به باور برخی از کارشناسان، سفر هیأت طالبان به ایران و روسیه برای این منظور بود تا کشورهای یاد شده را برای دوام کمک‌های‌شان قانع سازند.

فشرده کلام این است که تاریخ مصرف طالبان به پایان رسیده است. ریشه‌های آن‌ها با خروج سربازان امریکایی در حال خشکیدن است. اقدامات خشن و غیرانسانی طالبان، آن گروه را از پشتیبانی مردم افغانستان محروم کرده است و این همه سخن از آن می‌گویند که طالبان شانس برای موفقیت ندارند و تنها موردی که باید به آن دولت افغانستان رسیده‌گی کند، تحکیم اتحاد و همبستگی میان سران سیاسی طرف‌دار نظام جمهوری است؛ زیرا گاهی این چنددسته‌گی مایه تشویق طالبان می‌شود.

افغانستان قایم کنند و از امارت اسلامی دلخواه‌شان سخن بگویند. چرا؟

پیش‌روی طالبان برای بار نخست، زاده عدم شناخت دولت مجاهدین به رهبری استاد برهان‌الدین ربانی از طالبان بود. در واقع دولت مجاهدین در سال نخست از آن‌ها استقبال کرد و استاد ربانی، باری آن‌ها را فرشته‌های صلح خواند. در برخی موارد، طالبان را از لحاظ پولی و تسلیحاتی نیز یاری رساند، تا در برابر حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار موفقانه برزمند، زمانی به واقعیت پدیده طالبان پی‌برد که دیگر دیر شده بود و از کنترل بیرون شده بودند.

چنددسته‌گی و تفرق نیروهای فعال در افغانستان مانند حکمتیار، حاجی عبدالقدیر، اسماعیل خان، دوستم، عبدالعلی مزاری و سیاف موجب شد تا یکی پی دیگری به دست طالبان سقوط کنند و سرانجام در برابر طالبان احمدشاه مسعود باقی بماند.

روستاهای افغانستان در موارد زیادی همیشه بیرون از تسلط دولت مرکزی به زنده‌گی‌شان ادامه داده‌اند. در مناطق دورافتاده، دولت کم‌تر حضور داشته و امور مربوط به این مناطق به وسیله علمای دینی و متنفذین قومی اداره و رهبری شده است. از این رو، در چنین ساحاتی ایجاد آشوب و برهم زدن نظم با راه‌اندازی حرکت‌های مسلحانه و اعمال خراب‌کارانه، کار چندان دشوار نیست. لذا کارنامه طالبان را نمی‌توان یک دست‌آورد خارق‌العاده نظامی به حساب آورد. گاهی این اعمال به وسیله رسانه‌های غربی بیش از حد بزرگ جلوه داده می‌شود. مشکل طالبان زمانی آغاز می‌شود که سروکارشان به شهرها می‌افتد.

طالبان هم از لحاظ اسلحه و تجهیزات جنگی و هم از حیث دست‌بندی‌های جنگی به هیچ‌وجه توان ورود به شهرها را ندارند. شاید شهری را به آشوب بکشند، حمله غافل‌گیرانه‌ای را انجام دهند و یا بمبی را منفجر کنند و شماری را به خاک و خون بکشند؛ اما آن‌ها آماده‌گی ایستادن و مقاومت در شهرها را ندارند. دسته‌های ده



عبدالحفیظ منصور

پس از آن که در سال گذشته موافقت‌نامه دوحه میان ایالات متحده امریکا و طالبان امضا شد و شش ماه قبل از امروز، گفت‌وگوهای صلح میان هیأت دولت اسلامی افغانستان و هیأت طالبان آغاز شد، در برخی ملاقات‌های داخلی و خارجی نگرانی‌هایی در مورد بازگشت دوباره طالبان به قدرت مشاهده می‌شد.

دسته‌هایی در درون افغانستان و شماری هم در بیرون از کشور با این نگرانی روبه‌رو شده‌اند که نشود، طالبان، کابل (پایتخت) افغانستان را از راه زور قبضه کنند و اداره دلخواه‌شان را برگردانند؛ اداره‌ای که زنان را از تمام حقوق‌شان محروم ساخته بود، هنر و موسیقی در آن مجازات می‌شدند، اقلیت‌های قومی زیر تهدید بودند، مجسمه‌های بودا محکوم به انفجار شد و تنها چیزی را که رونق بخشیدند، جنگ و تریاک بود. افغانستان در زمان قدرت طالبان پایگاهی شده بود، برای تمام جنگ‌جویان افراطی به شمول جنگ‌جویان



فشرده کلام این است که تاریخ مصرف طالبان به پایان رسیده است. ریشه‌های آن‌ها با خروج سربازان امریکایی در حال خشکیدن است. اقدامات خشن و غیر انسانی طالبان، آن گروه را از پشتیبانی مردم افغانستان محروم کرده است و این همه سخن از آن می‌گویند که طالبان شانس برای موفقیت ندارند و تنها موردی که باید به آن دولت افغانستان رسیده‌گی کند، تحکیم اتحاد و همبستگی میان سران سیاسی طرف‌دار نظام جمهوری است؛ زیرا گاهی این چنددسته‌گی مایه تشویق طالبان می‌شود.

کشمیری، عرب، ناراضیان آسیای میانه و چیچینی. حتا طالبان زمینه آن را فراهم کرده بودند که چیچینی‌ها در افغانستان حکومت «جلاوطن» ایجاد کنند.

اکنون که ایالات متحده امریکا نیروهایش را از افغانستان بیرون کرده است و در پایین‌ترین سطح - در حدود ۲۵۰۰ تن از آن‌ها در افغانستان باقی مانده‌اند، این پرسش‌ها مطرح شده است که آیا این خروج به معنای مقدمه‌ای برای تحویل دادن افغانستان به طالبان است؟ آیا فاجعه حکومت‌داری طالبان در افغانستان دو باره تکرار می‌شود؟ و آیا افغانستان برای بار دیگر به پایگاه تروریستان چندین ملیتی تبدیل می‌گردد؟ به باور من، طالبان شانس برای موفقیت ندارند و نمی‌توانند، برای بار دیگر تسلط خود را بر قسمت اعظم



+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان



شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیجیتال (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سئو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)



+93777690909 info@bartartech.com
+93787935900 www.bartartech.com
کوته سنگی، کویابی دواخانه، کابل افغانستان

آشپزخانه مادر



تهیه غذاهای با کیفیت با نازل ترین قیمت
برای محافل رسمی و شخصی

آشپزخانه مادر یکی از مدرن ترین و پیشرفته ترین آشپزخانه‌های پایتخت است که افتخار دارد برای اولین بار در افغانستان با ویژگی‌های منحصر به خودش به فعالیت آغاز نموده است. آشپزخانه مادر افتخار دارد که بهترین و باکیفیت‌ترین غذاهای داخلی و خارجی را با مجرب‌ترین آشپزها برای محافل رسمی و شخصی، مهمانی‌ها و دعوت‌ها، ورکشاپ‌ها و سمینارها با انتقال رایگان به اسرع وقت با نازل ترین قیمت در خدمت مشتریان عزیز قرار دارد. ما در تلاش هستیم تا با ارائه خدمات صادقانه و متفاوت از دیگران اعتبار و رضایت مشتریان محترم‌مان را کسب کنیم و باورمندیم که گنجی با ارزش‌تر از رضایت و خدمت صادقانه برای همشهریان ما وجود ندارد.

آدرس: سرک اول کارته چهار، کوچه لیسه عالی رابعه بلخی شماره‌های تماس: ۰۷۷۰۶۷۶۴۶۵ - ۰۷۰۷۱۳۱۳۲۶



شفاخانه آینه صحت

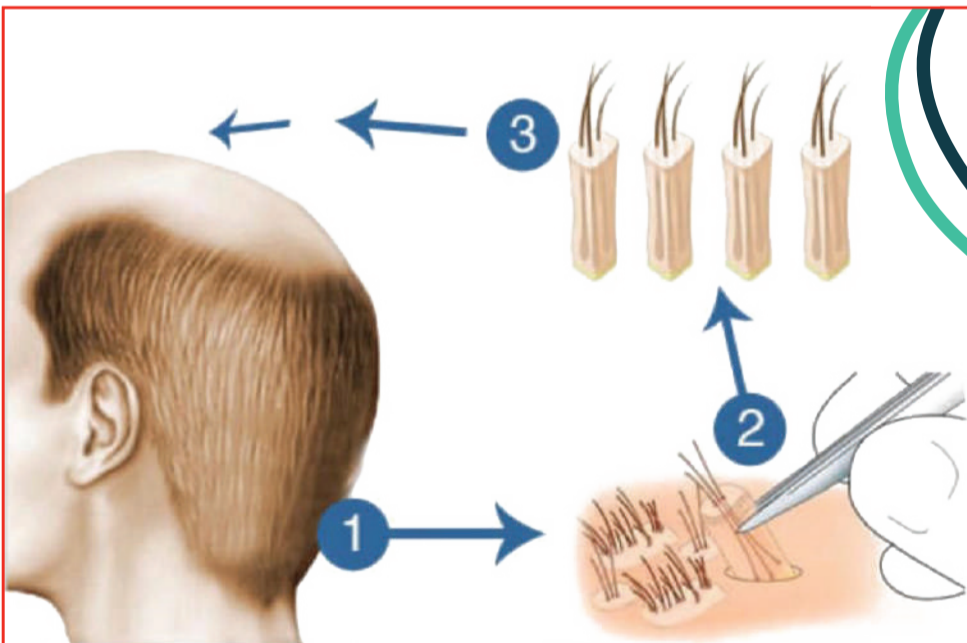
تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیر حسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت

شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰



آشردلیذیر

یک بار امتحان کنید
بار بار نوش جان

آدرس: جاده بابہ مزاری، مهتاب قلعه، روبروی شفاخانه محمدعلی جناح، جوار دانشگاه رابعه بلخی شماره تماس: ۰۷۷۵۲۰۷۳۶۸



محمدهادی ابراهیمی، روزنامه‌نگار

توافق‌نامه‌ای که در بیست‌ونهم فبروری سال ۲۰۲۰ میان ملا برادر، معاون سیاسی گروه طالبان و زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان امضا شد، به عنوان برگ برنده‌ای برای طالبان شناخته می‌شد. طالبان در این توافق‌نامه به مزیت‌های زیادی دست یافته بودند و خودشان را برنده میدان می‌دانستند. اما حالا پس از یک‌سال، به نظر می‌رسد که طالبان نتوانستند از این فرصت به خوبی استفاده کنند. اکنون نه تنها توافق‌نامه در حالت مبهم قرار دارد، بلکه گروه طالبان به عنوان جریان مسلح خشونت‌طلب معرفی شده است.

در توافق‌نامه دوحه، گروه طالبان، تنها طرف مذاکره نبود، بلکه پس از امضای آن در جایگاه متحد و همکار امریکا در امر مبارزه با تروریسم قرار گرفت. در بند سوم ماده دوم توافق‌نامه دوحه آمده بود که طالبان مانع سربازگیری، تجهیز و تمویل گروه‌های تروریستی که دشمن امنیت ملی امریکا هستند، در مناطق تحت کنترل خود می‌شوند. این بند به آن معنا بود که گروه طالبان در مبارزه با تهدیدات فراروی امنیت ملی امریکا، متحد این کشور است.

همین‌طور در توافق‌نامه دوحه مواردی بود که طالبان را به عنوان یک دولت، دارای مشروعیت می‌کرد. رفتاری که در این توافق با طالبان صورت گرفته بود، تنها با دولت‌ها صورت می‌گرفت. به طور نمونه، در بند پنجم از بخش دوم این توافق‌نامه، طالبان تعهد سپرده‌اند که از ارایه ویزا و اسناد قانونی و همین‌طور اجازه عبور از خاک افغانستان به افرادی که به عنوان دشمن امنیت ملی امریکا شناخته می‌شوند، خودداری می‌کنند. واضح است که ارایه پاسپورت و اسناد قانونی تنها از وظایف دولت است و هیچ گروه، حزب و جریانی توانایی صدور پاسپورت را ندارد.

از سویی هم، در این توافق، امریکا متعهد شده بود که زمینه‌سازی آزادی پنج هزار زندانی طالبان را پیش از آغاز مذاکرات میان‌افغانی تسهیل کند که چنین هم شد و پنج هزار زندانی طالبان از بند دولت آزاد شدند. بنابر گزارش‌های متعدد، اکثریت آنان به میدان‌های جنگ برگشتند و ماشین جنگی طالبان را قدرت بخشیدند.

یک‌ساله‌گی توافق‌نامه دوحه؛

گروه طالبان به عنوان جریان خشونت‌افروز به دیده می‌آید



عهدشکن به جامعه جهانی معرفی کرد و اعتمادی که با امضای توافق‌نامه دوحه به دست آورده بودند را از دست دادند.

در اعلامیه‌ای که در ماه دسامبر ۲۰۲۰ از سوی هیأت اتحادیه اروپا، نماینده‌گی‌های دیپلماتیک کشورهای عضو این اتحادیه، جمهوری چک، دانمارک، فنلند، فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند و نماینده‌گی ناتو در افغانستان منتشر شد، طالبان مسوول حملات تروریستی و قتل‌های هدف‌مند معرفی شدند. این مسأله نشان داد که اعتبار طالبان نزد کشورهای اروپایی و امریکا، دوباره سقوط کرده است.

همین‌طور، مذاکرات صلح هرچند در میان کشورهای همسایه توانست برای طالبان مشروعیت و پاسپورت بخرد، اما این مذاکرات به مشروعیت جنگ آنان لطمه زد. فتوای مختلفی که از سوی علمای جهان اسلام صادر شد، از یوسف قرضاوی گرفته (که به ادعای هیأت دولت فتوای تحریم جنگ در افغانستان را صادر کرده است)، تا شورای علمای تونس، همه و همه مشروعیت جنگ طالبان را زیر سوال برد. طالبان پس از توافق‌نامه دوحه، تفنگ‌شان را به جای امریکا و نیروهای بین‌المللی

همین‌طور نوعیت رفتار ایالات متحده با طالبان، مشروعیتی به آن‌ها بخشید که هیأت‌های این گروه توانستند با همین مشروعیت، به کشورهای منطقه از جمله ایران، پاکستان، ترکمنستان و روسیه سفر کنند و با آن‌ها به عنوان یک جناح سیاسی رفتار شود، چه بسا که طالبان در مسکو، مشروعیت دولت افغانستان را به چالش کشیدند و خواستار استعفای دولت کنونی شدند.

تمامی این موارد، مزیت‌هایی بود که توافق‌نامه دوحه به طالبان داده بود؛ اما طالبان به دلیل ماهیت جنگ‌طلبی و به دلیل نگاه امنیتی، نظامی و ایدئولوژیکی که به پدیده‌ها و فرصت‌ها دارند، به خوبی از این فرصت استفاده نکردند و حالا به نظر می‌رسد که مزیت‌های به دست آمده، در حال از دست رفتن است.

طالبان با ادامه رابطه با گروه‌های تروریستی هم‌چون القاعده، ثابت کردند که به تعهدات خود پایبند نیستند. انتشار گزارش‌های متعدد از سوی وزارت دفاع و کنگره امریکا و همین‌طور نهادهای دیگر، نشان می‌دهد که طالبان هم‌چنان به ارتباط شان با گروه‌های تروریستی ادامه می‌دهند. این گزارش‌ها، طالبان را به عنوان گروه

تحلیل روان‌شناختی پدیده جرم؛

مجرمین چگونه تولد می‌شوند؟

عبدالطوب عزیز، پژوهشگر و روانشناس

و انگیزه‌های آن پرداخته، دیدگاه یادگیری اجتماعی است.

دیدگاه «یادگیری اجتماعی»-Social Learning Theory «در مورد جرم

این دیدگاه با اسم آلبرت بندورا، دانشمند آمریکایی (۱۹۹۷) گره خورده است. از دید او، برای یادگرفتن رفتار، افراد در نخست مشاهده می‌کنند، بعد به تقلید می‌پردازند و توسط پاداش، آن را تقویت و تبدیل به عمل می‌کنند. اگر این فرایند به درستی پیش برود، رفتار تبدیل به عادت می‌شود. از دید او، سه عامل اساسی در تقویت انحراف تأثیر دارد:

۱. تعامل خانواده‌گی: کودکان منحرف احتمالاً توسط والدین منحرف پرورش می‌یابند.
۲. تجارب محیطی: کودکانی که در محیط‌های فاقد هنجارها و انتظارات متعارف بزرگ می‌شوند، مستعد رفتارهای انحرافی هستند.
۳. وسایل ارتباط جمعی: کودکانی که در معرض رسانه‌هایی قرار می‌گیرند که در آن خشونت یک رفتار عادی است و از آن تجلیل می‌شود، به پرخاشگری روی می‌آورند و به منطقی بودن رفتار بد باور می‌کنند.

فرایند تولد مجرم در کابل با استناد به تیوری یادگیری اجتماعی

کابل شهر کوچکی است که حدود شش میلیون انسان را در خود جا داده است. شهری که تبدیل به لانه مجرمین، بستری برای تولد آن‌ها در چند سال اخیر بوده است. اوضاع اجتماعی در کابل، مستعدترین حالت را برای یادگیری جرایم فراهم کرده است و از مجراهای سه‌گانه (خانواده، محیط و وسایل ارتباط جمعی) اطفال و نوجوانان را در معرض یادگیری جرایم قرار می‌دهد. سال‌ها جنگ در افغانستان، مهم‌ترین الگوی فرزندان را متحول ساخته است. فرزندان در اولین محیط با مشکلات خانواده‌گی، والدین و به خصوص پدر پرخاشگر روبه‌رو می‌شوند و الگو برداری را آغاز می‌کنند. دومین مورد الگوساز در افغانستان، تلویزیون‌ها است. فرزندان کوچک خانواده بعد از اعضای خانواده با تلویزیون در تماس هستند. شبکه‌های

بنابراین، زمانی که نوجوانان دست به شبیه‌سازی گروه‌های تبهکار سریالی می‌زنند و روی دیوارها شکلک‌های خاص را ترسیم می‌کنند، نباید تعجب کرد؛ چون اطفال و نوجوانان از الگوی قهرمان خود تقلید کرده‌اند. نمونه این رفتار در کوچ‌ها و پس‌کوچه‌های کابل به وضوح دیده می‌شود. سومین عاملی که الگوهای انحرافی را تقویت می‌کند، تجارب محیط است. متأسفانه، خرده فرهنگ‌های جرم در پایتخت دست به ایجاد ادبیات جرمی زده و از چهره زشت جرم قیاحت‌زدایی صورت گرفته است. تبهکاران، دزدی را «وند»، باج‌گیری را «داو گرفتن»، زورگویی را «کاکه‌گی» و استفاده از وسایل جرم‌آفرین را مردانه‌گی می‌دانند. در صورتی که فردی خلاف این هنجارهای جرمی حرکت کند را «بچه‌ننه» می‌گویند، با او برخورد زشت می‌کنند و زنده‌گی را برایش سخت می‌سازند. لذا، فرد رفتار سو را در خانواده افغانستانی، محیط و تلویزیون مشاهده می‌کند، به تقلید می‌پردازد و توسط الگوها تقویت می‌شود. نبود تنبیه برای مجرمین و پذیرش اجتماعی، افراد را ترغیب به همانندسازی می‌کند و روزی تبدیل به تبهکار می‌سازد. این‌گونه است که چرخه حیات مجرمین تداوم پیدا می‌کند. عوامل زیادی در این فرایند نقش دارد و هر مشاهده‌ای منجر به یادگیری عمل نمی‌شود، اما اکثر اوقات همان است که بیان شد.

چه باید کرد؟

- فرزندان را نباید در معرض دید خشونت و انحراف قرار داد. والدین نباید در مقابل چشمان فرزندان به دعوا بپردازند. دیدن برنامه‌های تلویزیونی کنترل شود و والدین باید فهرست دوستان فرزندان خویش را حتماً بدانند.

- والدین باید بدانند که چه زمانی فرزندان خود را تشویق و چه زمانی تنبیه کنند (معنای تنبیه لت و کوب نیست). تشویق نمودن بی قید و شرط، فرزندان را منحرف به بار می‌آورد.

- مجرمین باید مجازات شوند. یکی از نکته‌های مثبت شهریه و تنبیه مجرمین توسط میثاق امنیتی، زدودن چهره‌های مثبت از آن‌ها و نشان دادن پیامد رفتار برای آن‌هایی است که در حال تقلید آن رفتار هستند.

- منحبث شهروند مسوول، رفتارهای انحرافی را بنابر هیچ دلیلی تقویت نکنیم.

- نباید طرف مجرمین را بگیریم، حتا اگر نزدیک‌ترین‌های ما باشند. فرهنگ طرف‌داری از مجرم به تقویت این پدیده کمک می‌کند.

علی ارغون چينار چگونه عاشق افغانستان شد؟



محمد حسين نيکخواه

فعالیت‌های فرهنگی استاد در هرات برگزار کرد و حیدری وجودی آخرین بار پیش از وفاتش به این شهر سفر کرد. آقای چینار، از حضور کم‌رنگ و کم‌توجهی مقام‌های حکومتی به مسایل علمی و فرهنگی گلایه دارد و روایت می‌کند که در مراسم تجلیل از حیدری وجودی، شمار زیادی از فرهنگیان و دوست‌داران استاد حاضر شدند، اما مقام‌های حکومتی حضور کم‌رنگی داشتند و پس از وفات استاد، اعلامیه صادر کردند.

چندی پیش ثبت جهانی هنر مینیاتور به عنوان میراث مشترک کشورهای ایران، ترکیه، آذربایجان و اوزبیکستان، واکنش‌های زیادی در افغانستان داشت. از آقای چینار پرسیدم نظرش در مورد پیوند افغانستان با هنر مینیاتور چیست، پاسخش صریح و شفاف بود. برایم گفت که از دید شخصی‌اش، باید نام افغانستان هم به عنوان میراث‌دار هنر مینیاتور ثبت جهانی شود، اما حکومت و فرهنگیان افغانستان به جای برخورد احساسی با این مساله، باید اسناد و مدارکی که نشان‌گر پیوند هنر مینیاتور با این کشور است را به «یونسکو» ارائه کنند.

او مثالی از ثبت یک بازی ملی ترکیه برایم روایت کرد که یونان قصد داشت آن را به نام خود ثبت کند، اما حکومت و فرهنگیان ترکیه با ارائه اسناد حقوقی به یونسکو، اجازه ندادند بازی به نام یونان ثبت شود و حق‌شان پای‌مال گردد. اول مارچ، صدمین سال‌گرد آغاز روابط دیپلماتیک میان افغانستان و ترکیه است، اما از دید آقای چینار، روابط افغانستان و ترکیه سال‌ها پیش از این برقرار شد و مردم دو کشور احترام ویژه به هم‌دیگر دارند و باید روابط حکومت‌ها نیز گسترش پیدا کند.

علی‌ارغون چینار که در اولین سفرش به کابل عاشق افغانستان شد، عقیده دارد که اگر در این کشور صلح تأمین شود و جنگ به پایان برسد، شرایط برای گسترش فعالیت‌های فرهنگی - هنری فراهم می‌شود و گردش‌گران از سراسر جهان می‌توانند برای سیاحت و تفریح به افغانستان سفر کنند و او آرزوی دیدن چنین روزی را دارد.



علمی و فرهنگی برای فرهنگیان هرات و کارهایی در بخش‌های توسعه‌ای، صحت و معارف انجام داده است. برگزاری برنامه‌های فرهنگی و نمایشگاه‌های فرهنگی - هنری، نمایشگاه عکس و آثار خطاطی و خوش‌نویسی، بخشی از فعالیت‌هایش در هرات است. افزون بر این دفتر تیکا شش جلد کتاب از نویسندگان هراتی چاپ کرده است.

مرمت برخی بناهای تاریخی از جمله مسجد امیر علی شیر نوایی در مقبره خواجه عبدالله انصاری، مزار مولانا جامی و مزار شیخ فخرالدین رازی، از علمای مشهور علم حدیث در هرات، نمونه‌ای از فعالیت‌های فرهنگی آقای چینار از طریق دفتر تیکا در هرات به شمار می‌رود. از دید او، فعالیت‌های فرهنگی کشور ترکیه در افغانستان، هدیه‌ای برای نسل آینده این کشور است و سال‌ها بعد نسل‌های آینده ارزش و اهمیت پاسداری از داشته‌های فرهنگی را درک خواهند کرد، هرچند در افغانستان کم‌تر به مسایل فرهنگی توجه می‌شود.

سال‌ها پس از آشنایی علی‌ارغون چینار، با استاد حیدری وجودی، او سال گذشته مراسمی برای تجلیل از

ده‌ها جلد کتاب، کتابی را به قیمت ۴۰۰ دالر امریکایی خرید. در جست‌وجوی خرید کتاب، با مردی آشنا شد که میان کتاب‌خوان‌ها و فرهنگیان افغانستان شهره بود؛ به دیدار حیدری وجودی رفت. استاد وجودی با داستان لرزانش، نام چند کتاب را روی کاغذی نوشت تا علی‌ارغون چینار، از بازار کابل خریداری کند.

وقتی از کابل به سوی استانبول حرکت می‌کرد، ده‌ها جلد کتاب با خود داشت و باید برای آن «اضافه‌بار» پرداخت می‌کرد، اما مأموران شرکت هوایی وقتی متوجه شدند او شهروند افغانستان نیست و از ترکیه آمده است، پول اضافه‌بار کتاب را دریافت نکردند. پس از چند بار رفت‌وآمد به افغانستان و سفر به شهرهای کابل، هرات و مزار شریف، علی‌ارغون چینار در سال ۲۰۱۵ میلادی برای انجام یک مأموریت رسمی راهی افغانستان شد. چندی بعد دفتر آژانس انسجام و همکاری جمهوری ترکیه (تیکا)، در هرات گشایش یافت و ریاست این نهاد به او واگذار شد.

علی‌ارغون چینار، از سال ۲۰۱۷ میلادی تاکنون از طریق این نهاد فعالیت‌هایی در بخش‌های فرهنگی، هنری، مرمت آثار باستانی، چاپ کتاب، زمینه‌سازی سفرهای

به دیدار مردی رفته که از چند سال به این سو در بخش‌های فرهنگی، توسعه‌ای، معارف، صحت و مرمت بناهای تاریخی در افغانستان فعالیت دارد. او در شهر استانبول کشور ترکیه زاده شد و ۱۵ سال پیش برای اولین بار به افغانستان آمد. یک هفته در کابل ماند و حضورش در این شهر را «فراموش نشدنی» توصیف می‌کند. مردی که در کنار تاریخ، زبان فارسی را در ترکیه آموخت و افزون بر صحبت کردن زبان فارسی، کتابی هم به این زبان نوشت که در ایران چاپ و نشر شد. آقای چینار، خاطرات خوشی از نخستین سفرش به افغانستان داشت و پس از آن چند بار دیگر به کابل و هرات سفر کرد.

در دفتر کارش که روی میزها و داخل قفسه‌هایش پر از کتاب بود، به گرمی از من استقبال کرد. قرار بود گفت‌وگوی ما حدود ۲۰ دقیقه باشد، اما روایت قصه‌های کابل و بازدید از مکان‌های تاریخی و فرهنگی هرات، حدود یک ساعت زمان گرفت. ابتدا علی‌ارغون چینار، از تجربه آشنایی با افغانستان برایم قصه کرد؛ زمانی که جوان بود و تحولات سیاسی افغانستان در سرخط رسانه‌های جهان قرار داشت. در آن زمان جوانان و دانشجویان ترکیه رویدادهای افغانستان را دنبال می‌کردند و نام این کشور برای‌شان آشنا بود.

سال‌ها بعد وقتی حکومت طالبان سقوط کرد و نظام جدید روی کار آمد، او تصمیم گرفت به افغانستان سفر کند؛ اما سفر به افغانستان آسان نبود و شهروندان خارجی به دلیل جنگ و ناامنی، جرات نمی‌کردند به این کشور سفر کنند. علی‌ارغون چینار، به سفارت افغانستان در ترکیه رفت، اما نگرانی‌اش این بود که شاید برایش ویزه ندهند. در سفارت، با یکی از مقام‌های ارشد به زبان فارسی صحبت کرد، همین امر سبب شد که در مدت نیم ساعت برایش «ویزه فوری» صادر کنند.

آقای چینار، به یکی از دوستانش در کابل تماس گرفت و او به استقبالش در فرودگاه کابل آمد. در خیابان‌های کابل قدم زد و نشانی کتاب‌فروشی‌ها را سراغ گرفت. در میان

دو سال از دادخواهی «اترا کجاست؟» گذشت؛ پس از دو سال نتیجه کجاست؟

میرویس آریا، عضو گروه هماهنگی «اترا کجاست؟»
بخش دوم

چرا کیفیت خدمات مخابراتی و اینترنت در افغانستان خوب نیست؟
آنچه از دوسال دادخواهی آموخته‌ام

گونه منصفانه برخورد شود. این کار از سال‌های زیادی صورت نگرفته بود، اما در جلسات تصمیم‌گیری مورد اترا، در این زمینه کار صورت گرفته و این اداره جدید بیش‌تری برای نظارت و تطبیق قانون نشان داده است. این تغییر، نشانه خوب و یک امر ارزشمند است و اترا مقتدر که مدافع حقوق مشتریان باشد و از منفعت عرضه‌کننده‌گان و سرمایه‌گذاران نیز به گونه مساویانه و منصفانه پاسداری کند، به سود مردم و کشور است. اما نظارت واقعی باید از سوی مشتریان و رسانه‌ها صورت بگیرد.

«اترا کجاست؟» با دادخواهی پی‌گیر از سوی مشتریان و پوشش گسترده رسانه‌ای تا اینجا آمده است. اگر بپذیریم که این دادخواهی تأثیری داشته، دلیل آن، پی‌گیری و حوصله‌مندی مشتریان و رسانه‌ها است. دادخواهی مردمی و پی‌گیری رسانه‌ها، مهم‌تر از همه است. مردم پول می‌پردازند و مستحق هستند در برابر پولی که می‌پردازند، خدمات را با همان کیفیت و مقداری که خریداری کرده‌اند، دریافت کنند.

مهم است تا با حوصله‌مندی برای دریافت خدمات باکیفیت که مستحق آن هستیم و برای آن پول می‌پردازیم، مطالبه پی‌گیر داشته باشیم و از کاستی‌ها در این زمینه چشم‌پوشی نکنیم. مطمئن باشیم که صدای ما تأثیر ایجاد می‌کند، اما در عین حال در صورتی که خدمات بهتر می‌شود، از تشویق و تقدیر شرکت‌های مخابراتی نیز دریغ نکنیم. این کار سبب ایجاد رقابت برای بهتر شدن خدمات شرکت‌ها و تقویت اداره اترا برای دفاع از حقوق مشتریان خواهد شد و سود آن به مردم می‌رسد.

به باور من در صورتی که رسانه‌های تأثیرگذار یک چوکات مشخص و منظم برای تمرکز روی کیفیت خدمات اینترنتی و مخابراتی ایجاد کنند، توان نظارتی شهروندان بیش‌تر می‌شود. تنها یک ستون کوچک هفته‌وار در چند روزنامه و یک برنامه هفته‌وار ۳۰ دقیقه‌ای در چند تلویزیون و رادیو، سرعت تغییر را خیلی بیش‌تر می‌سازد.

اما چرا قیمت اینترنت در افغانستان بلند است و چه زمان به سطح کشورهای منطقه می‌رسیم؟ در قسمت بعدی به این مورد می‌پردازم.

است عضویت یک‌تن از مأموران بلندرتبه اداره اترا در جلسات شش‌و‌نیم در معاونت نخست ریاست جمهوری، خیلی موثر تمام شود. اما باید ذکر کرد که شرکت‌های مخابراتی از گذشته تا حالا از معضل جرما و بوسه‌ها به صورت گسترده برای توجیه خدمات کم‌کیفیت خویش نیز استفاده کرده‌اند. لازم است تا شرکت‌ها در مناطقی که مشکل جرما بزرگ و ثابت وجود ندارد، کیفیت خدمات را برای مشتریان بهبود بخشند تا اعتماد از دست رفته مردم و مشتریان نسبت به شرکت‌ها دوباره به دست آید. اداره اترا نیز باید مناطقی را که در آن اخلاص‌کننده‌ها فعال است، به صورت دقیق شناسایی و فهرست کند و برای بلند بردن کیفیت خدمات در مناطقی که مشکل جرما در آن وجود ندارد، به شرکت‌های مخابراتی هشدار و ضرب‌الاجل رسمی ارسال کند.

نظارت دولتی و مردمی از عرضه خدمات

اداره اترا به عنوان مرجع تنظیم‌کننده سکتور که وضع‌کننده و تطبیق‌کننده قوانین مربوط به سکتور مخابرات افغانستان است، نیاز به بلند بردن ظرفیت تخنیکي برای نظارت گسترده‌تر و سریع‌تر از کیفیت عرضه خدمات دارد. با ساختار و روش‌های قدیمی که فعلاً در اداره اترا حاکم است و با ظرفیت پایین تخنیکي که این اداره با آن مواجه است، نمی‌توان نظارت لازم و موثر را از کیفیت خدمات انجام داد.

اداره اترا بودجه کافی دارد. نیاز است تا این اداره، روی بلند بردن ظرفیت تخنیکي و به کارگیری روش‌های جدیدتر برای نظارت از کیفیت، سرمایه‌گذاری کند و ساختارهای قانونی کهنه و کاغذی را در این زمینه، سریع‌تر و دیجیتال بسازد. از طرف دیگر، ضرورت داریم تا قوانین و طرز‌العمل‌های موجود به صورت جدی عملی شود و برای رفع خلاهای موجود، قوانین و طرز‌العمل‌های جدید به وجود بیاید. با تخطی و تخلف باید با جدیت و بدون در نظر داشت هیچ‌گونه تبعیض و مصلحتی، به

افغانستان و به‌ویژه در شهر کابل، از جرما برای صدمه زدن به موج‌های برقی که برای انفجار دادن بمب‌های کنترل از راه دور اداره می‌شود، استفاده می‌گردد.

جرماهای قدرتمند، به گونه گسترده‌ای به افغانستان وارد شده و همین حالا مورد استفاده است. از طرف دیگر، افزایش نامی‌ها و به‌ویژه گسترش انفجار بمب‌های مقناطیسی، استفاده از جرما را بیش‌تر مروج ساخته است و بیم آن وجود دارد که روند استفاده از آن گسترده‌تر نیز شود و اخلاص‌کننده‌گان خدمات اینترنت و تلفن رونما گردد.

بوسه‌ها و ریپتورها که برای افزایش قدرت جذب سیگنال و متراکم ساختن آن در یک نقطه خاص نصب می‌گردد، از دیگر اخلاص‌کننده‌گان خدمات است که با گسترده‌گی پخش شده و فعال است.

اکثریت وسایل و ابزارهایی که سبب اخلاص در خدمات می‌شود، به گونه غیرقانونی وارد می‌گردد و به فروش می‌رسد و به گونه غیرقاعده‌مند مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای فراهم‌سازی زمینه عرضه خدمات باکیفیت تلفن و اینترنت، قاعده‌مند ساختن استفاده از جرما یا خنثاکننده‌ها و نیز کنترل استفاده از بوسه‌ها و ریپتورها امر خیلی ضروری است. در این زمینه کار قابل لمس صورت نگرفته و با گذشت هر روز این مشکل بزرگ‌تر نیز شده است.

این معضل را مردم و شرکت‌های مخابراتی نمی‌توانند حل کنند و مسوولیت آنان نیست. این مکلفیت دولت افغانستان و به‌ویژه اداره اترا است تا به عنوان تنظیم‌کننده سکتور، استفاده از جرما و بوسه‌ها را قاعده‌مند و کنترل کند. برای دست‌یابی به این امر، اداره اترا بدون همکاری سایر نهادهای دولتی و به‌ویژه نهادهای امنیتی نمی‌تواند، کاری انجام دهد.

چنانچه معضل جرما و سایر اخلاص‌کننده‌ها در شهر کابل گسترده‌تر از هر شهر افغانستان است، ممکن

در قسمت نخست نوشتیم که کیفیت پایین خدمات مخابراتی و اینترنت در افغانستان عوامل متعدد دارد، اما به نظر ما نقش چهار عامل برجسته‌تر است. از جمله این چهار مورد، در قسمت نخست تنها به این اشاره شد که گسترش فایبر نوری و نوسازی زیربنای، تأسیسات و وسایل عرضه خدمات مخابراتی چه تأثیری روی کیفیت خدمات مخابراتی و اینترنت دارد. در این قسمت به دو عامل دیگر اشاره می‌شود که در کنار فایبر نوری و تأسیسات و وسایل عرضه خدمات، روی کیفیت خدمات مخابراتی و اینترنت تأثیر دارد.

پاک‌سازی اخلاص‌کننده‌ها

فعالیت بیش از حد ابزارهای الکترونیک، مانند جرما و بوسه‌ها مانع فرستادن و دریافت خدمات مخابراتی و اینترنتی به گونه شفاف می‌شود. چنان‌که می‌دانیم، جرما بیش‌تر برای خنثاسازی سیگنال‌های الکترونیک طراحی شده و قطع موج و سیگنال‌های الکترونیکي فعال در چهار اطراف آن، کارکرد اصلی آن است. در



فعالیت بیش از حد ابزارهای الکترونیک، مانند جرما و بوسه‌ها مانع فرستادن و دریافت خدمات مخابراتی و اینترنتی به گونه شفاف می‌شود. چنان‌که می‌دانیم، جرما بیش‌تر برای خنثاسازی سیگنال‌های الکترونیکي طراحی شده و قطع موج و سیگنال‌های الکترونیکي فعال در چهار اطراف آن، کارکرد اصلی آن است. در افغانستان و به‌ویژه در شهر کابل، از جرما برای صدمه زدن به موج‌های برقی که برای انفجار دادن بمب‌های کنترل از راه دور اداره می‌شود، استفاده می‌گردد.

«نه به امارت»؛

دوران شلاق‌های فکری طالبان به حقوق زنان، پایان یافته است



آسیه حمزای



لزمه تاکید بر ماده ۲۲ فصل دوم قانون اساسی
لیلا فروغ محمدی، فعال مدنی در کابل، نیز نگاه خوشبینانه‌ای به تغییر بینش طالبان نسبت به زنان ندارد، اما از ماده ۲۲ فصل دوم قانون اساسی افغانستان یاد کرده و بر حقوق و آزادی‌های یکسان میان زن و مرد تاکید می‌کند. او در ادامه به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که مطابق اصل برابری، هیچ تفاوت و برتری میان زن و مرد نیست، اما در تفکر طالبان زنان بدون هویت مستقل در تملک مرد قرار دارند، تا آن‌جا که حتا بدون محارم شرعی اجازه خروج از خانه را نیز ندارند.

او می‌افزاید که اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) نیز بر عدم تبعیض میان حقوق و آزادی‌های زن و مرد تاکید دارند، اما آن‌چه واضح است، این است که طالبان نمی‌خواهند حقیقت دنیای امروز را درک کنند و بپذیرند. تصور آن‌ها از جهان کنونی هنوز تقسیم انسان‌ها به دو دسته جهادگر و کافر است و هم‌چنان در کوه و صحرا با ریختن خون نظامیان و غیرنظامیان به دنبال کسب ثواب هستند. مسلم است وقتی واقعیت دنیای امروز را نپذیرند، زن و حقوق زن را هم نمی‌توانند بپذیرند.



از سال ۱۹۹۶ تا دسامبر ۲۰۰۱ میلادی که دوران حاکمیت طالبان بود، زنان بیش‌ترین آسیب را زیر شلاق فکری طالبان تجربه کردند. پامال شدن حقوق آن‌ها و محرومیت از حق تحصیل و اشتغال و حتا عدم اجازه خروج و تردد بدون حضور یک محرم شرعی، از بارزترین نمونه‌های خشونت بر زنان در آن دوره بود. حال با گذشت حدود شش ماه از آغاز مذاکرات دوحه قطر میان دو هیات دولت افغانستان و طالبان، دلواپسی‌های جدی در رابطه به دست‌آوردهای ۲۰ سال گذشته به ویژه در بخش زنان وجود دارد، اما نکته واضح این است که زنان در تار و پود جامعه نفوذ کرده‌اند، در فرهنگ، اجتماع، سیاست و دین و حذف آن‌ها به معنای حذف نیمی از پیکر این افغانستان است. هرچند زنان می‌گویند که دوران تازیبانه‌های فکری طالبان بر حقوق زنان به پایان رسیده و روزهای سیاه دهه ۷۰ خورشیدی برنخواهد گشت. هرچند پیش‌تر گروه طالبان گفته‌اند که به زنان متناسب به شریعت اسلامی حق خواهند داد.

باید دید دور تازه سفرهای منطقه‌ای خلیل‌زاد و بازگشت رهبران طالبان به میز مذاکره چه نتایجی در بر خواهد داشت. آیا صحبت به اجنداها که حقوق زنان یکی از آن‌ها است، خواهد رسید یا هم‌چنان وقت‌کشی ادامه خواهد داشت؟

موفه‌ها باشد، صلیح پایدار و همه‌شمول نخواهد بود.

یک عضو هیأت: «ایدیولوژی طالبان نسبت به زنان تغییر نکرده است»

از سوی دیگر، نتیجه‌گیری یکی از افراد حاضر در هیات مذاکره‌کننده دولت که نخواست نامش فاش شود، در رابطه با جهان‌بینی طالبان نسبت به زنان جالب توجه است. او در این رابطه به ۸ صبح گفت: «ماه‌ها است با طالبان روبه‌رو مذاکره می‌کنیم، اما باید گفت در جهان‌بینی و ایدیولوژی این گروه نسبت به زنان نه تغییر و تحولی آمده و نه می‌آید. آن‌چه مسلم است، این است که بستر اجتماعی طالبان به گونه‌ای است که همواره در رابطه با زن با ذهنیت و افکار بسته پیش می‌روند؛ این گروه از محیطی بسته برخاسته که اغلب در مهمان‌خانه‌هایی با راه ورود و خروج جدا، کلان شده‌اند و زن برای آن‌ها فقط زمانی معنا دارد که شب‌هنگام برای خواب به خانه رجوع می‌کنند. تفکر طالبان وقتی با خانواده و عاطفه و انس نسبت به زن گره نخورده باشد، مشخصاً مشکلات ارتباطات اجتماعی آن‌ها تا مادام پابرجا خواهد بود. نکته دیگر این است که در تفکر این گروه زن هیچ‌گاهی با مرد برابر نیست. هرچند گاهی ادعا می‌کنند که تغییر کرده و طرفدار حقوق زنان هستند، اما ادعایی بیش نیست و حقیقت ندارد.»

ادعای تغییر ایدیولوژی طالبان نسبت به زنان را نمی‌توان باور کرد

فاطمه حسینی، هنرمند و عکاسی است که در بخش زنان کار می‌کند، او که چند سالی است از مهاجرت به کشور خود بازگشته، هم‌زمان با مذاکرات در دوحه نگران آینده زنان افغانستان است. فاطمه می‌گوید که پیش از صحبت در رابطه با زنان، موضوع دیگر حایز اهمیت است. با آغاز مذاکرات در قطر، روزه‌روز شاهد تشدید خشونت‌ها و جنگ‌افروزی‌ها از سوی طالبان در مرکز و ولایات هستیم. این نکته‌ای مهم در بر دارد و گویای عدم تغییر تفکرات طالبان و تاکید آن‌ها بر خشونت علیه غیرنظامیان است که به طور حتم زنان نیز شامل آن می‌شوند. مشخصاً با چنین وضعیتی سخن زدن از تغییر جهان‌بینی طالب نسبت به زن و حقوق زن، مضحک و خنده‌آور است و قابل باور نیست. او که معتقد است بینش و منش طالبان با خشونت گره خورده، عنوان می‌کند که به عنوان یک هنرمند می‌گویم زن افغان امروز دارد، صدایش را بلند پیش‌رفت کرده و دست‌آورد دارد، تحصیل دارد، می‌کند، استقلال اقتصادی دارد و از همه مهم‌تر آزادی بیانش مهم‌ترین سلاح او است که با تکیه بر آن در برابر تحجرها ایستاده‌گی می‌کند. زن امروز در برابر تفکرات سنتی و فرهنگ قبیله اطراف خود می‌ایستد و برای کوچک‌ترین خواسته‌های خود مبارزه می‌کند، چگونه ممکن است که چنین زنی در برابر امارت و تفکرات طالبانی به زانو دربیاید و مطیع شود! دوره حاکمیت افکار متحجرانه در افغانستان دو دهه است که تمام شده و قابل بازگشت نیست.

نخواهد داشت.

ایثار می‌افزاید که با آغاز گفت‌وگوهای دوحه، آن‌چه نگرانی زنان را بیش‌تر کرده، نقش حاشیه‌ای و سمبولیک زنان در مذاکرات بوده و است. در متن نبودن زنان در روند مذاکرات صلح، بی‌توجهی به خواسته‌های آن‌ها و پرهیز از توجه به حقوق زنان با عنوان یکی از اجنداها اصلی گفت‌وگوها، بیم ما را در برابر چنین توافق صلحی بیش‌تر کرده است، اما نکته‌ای که باید یادآوری شود، این است که طالبان بدانند که هیچ زنی در این سرزمین منتظر آن‌ها نیست، زیرا امارت طالبان، هویت مستقلانه زن را برنمی‌تابد. چگونه طالبان و برخی خوش خدمتان آن‌ها از تغییر ایدیولوژی این گروه صحبت می‌کنند، در حالی که واضح و روشن است که مبنای فکری و اندیشه این گروه بنیادگرا، تحجر و بربریت بوده و ارزش‌های جامعه مدرن امروز در این تفکرات جایی ندارد. به باور خانم ایثار طالبان امروز همان طالبان دیروز هستند. او می‌افزاید طالبانی که در مکتب فکری خود، هویت حقیقی و حقوقی

هر چند جنگ و خشونت در افغانستان پیشینه طولانی دارد، اما موضوع عدالت انتقالی و رسیده‌گی به جنایات جنگی اغلب مورد توجه نبوده است. این موضوع حتا پس از ۲۰۰۱ که در حقیقت آغاز حیات سیاسی نوین در افغانستان پساکنفرانس بن بود، نیز جدی گرفته نشد. در این میان زنان به عنوان یکی از اقشاری که بیش‌ترین خشونت و آسیب را در دوران حاکمیت طالبان متحمل شده بودند، همواره از پامال شدن حقوق خود و اعمال خشونت‌های زن‌ستیزانه این گروه با تکیه بر شریعت اسلام طالبانی گلایه داشته و حتا خواستار به محاکمه کشاندن رهبران این گروه در محاکم جهانی بوده‌اند. با وجود تمام موانع، اعم از فرهنگ مردسالارانه قبیله و ساختارهای اجتماعی که مشروعیتی برای حضور زن در جامعه و حقوق مستقلانه خود قایل نبوده، پس از دو دهه، زنان افغانستان موفق به کسب دست‌آوردهای فردی و جمعی خود شده‌اند. دست‌آوردهایی که حضور زن را در جامعه، سیاست، فرهنگ و دیگر عرصه‌ها معنا بخشیده است و امروز زنان افغانستان به عنوان نیمی از پیکر این جامعه حرفی برای گفتن دارند. حرف‌های حاکی از این‌که گذر از جنگ و دست‌یابی به صلح بدون مشارکت زنان و توجه جدی و عمیق به حقوق آن‌ها امری امکان‌ناپذیر است.

پس از امضای توافق‌نامه میان ایالات متحده آمریکا و گروه طالبان در دوحه حوت ۱۳۹۸ و سپس آغاز مذاکرات صلح دوحه قطر در ۲۲ سنبله ۱۳۹۹، بیم و امیدها در رابطه با ختم منازعات و آینده افغانستان شدت گرفت. به طور واضح قربانیان جنگ و زنان دو گروهی‌اند که به عنوان متضرران اصلی دوران حاکمیت طالبان، بیش‌ترین نگرانی را در رابطه با نتایج مذاکرات صلح دارند؛ هر چند زنان، امیدوار و قاطع از برگشت‌ناپذیری‌شان به دهه ۷۰ خورشیدی می‌گویند.

طالبان امروز همان طالبان دیروز اند

فریحه ایثار، کنش‌گر مدنی و پژوهش‌گر، در این رابطه به ۸ صبح می‌گوید که یکی از دست‌آوردهای بارز و ملموس دو دهه اخیر، نسل امروز است؛ نسلی که در برابر نظام طالبانی و ایدیولوژی خشک آن‌ها سکوت نخواهد کرد. نسل امروز به شمول زنان، طالبان دهه ۷۰ خورشیدی را به هیچ وجه نمی‌پذیرند. او هم‌چنین به گزارش تحقیقی بنیاد آسیا اشاره کرد و گفت: «براساس نتایج این گزارش که دیدگاه زنان و مردان افغانستان را نسبت به طالبان بیان می‌کند، زنان بیش از مردان، طالبان را گروه بربریت و خون‌ریز می‌دانند، علت آن هم تجارب تلخ و واقعی زنان در دوران امارت است.»

این فعال حقوق زنان، ضمن تاکید بر عدم تغییر جهان‌بینی و ایدیولوژی طالبان، معتقد است این‌که برخی از تغییر در ایدیولوژی طالبان سخن می‌زنند، در حقیقت شعارهای واهی است تا آماده‌گی بازگشت امارت را بگیرند، اما واقعیت این است که ارزش‌های جامعه امروزی به شمول حقوق زنان در تفکرات و ایده‌های متحجرانه طالبان جایگاهی نداشته، ندارد و

پس از امضای توافق‌نامه میان ایالات متحده آمریکا و گروه طالبان در دوحه حوت ۱۳۹۸ و سپس آغاز مذاکرات صلح دوحه قطر در ۲۲ سنبله ۱۳۹۹، بیم و امیدها در رابطه با ختم منازعات و آینده افغانستان شدت گرفت.

به طور واضح قربانیان جنگ و زنان دو گروهی‌اند که به عنوان متضرران اصلی دوران حاکمیت طالبان، بیش‌ترین نگرانی را در رابطه با نتایج مذاکرات صلح دارند؛ هر چند زنان، امیدوار و قاطع از برگشت‌ناپذیری‌شان به دهه ۷۰ خورشیدی می‌گویند.

طالبان امروز همان طالبان دیروز اند

فریحه ایثار، کنش‌گر مدنی و پژوهش‌گر، در این رابطه به ۸ صبح می‌گوید که یکی از دست‌آوردهای بارز و ملموس دو دهه اخیر، نسل امروز است؛ نسلی که در برابر نظام طالبانی و ایدیولوژی خشک آن‌ها سکوت نخواهد کرد.

این فعال حقوق زنان، ضمن تاکید بر عدم تغییر جهان‌بینی و ایدیولوژی طالبان، معتقد است این‌که برخی از تغییر در ایدیولوژی طالبان سخن می‌زنند، در حقیقت شعارهای واهی است تا آماده‌گی بازگشت امارت را بگیرند، اما واقعیت این است که ارزش‌های جامعه امروزی به شمول حقوق زنان در تفکرات و ایده‌های متحجرانه طالبان جایگاهی نداشته، ندارد و

این گروه از پامال شدن حقوق خود و اعمال خشونت‌های زن‌ستیزانه این گروه با تکیه بر شریعت اسلام طالبانی گلایه داشته و حتا خواستار به محاکمه کشاندن رهبران این گروه در محاکم جهانی بوده‌اند.

با وجود تمام موانع، اعم از فرهنگ مردسالارانه قبیله و ساختارهای اجتماعی که مشروعیتی برای حضور زن در جامعه و حقوق مستقلانه خود قایل نبوده، پس از دو دهه، زنان افغانستان موفق به کسب دست‌آوردهای فردی و جمعی خود شده‌اند.

دست‌آوردهایی که حضور زن را در جامعه، سیاست، فرهنگ و دیگر عرصه‌ها معنا بخشیده است و امروز زنان افغانستان موفق به کسب دست‌آوردهای فردی و جمعی خود شده‌اند.

دست‌آوردهایی که حضور زن را در جامعه، سیاست، فرهنگ و دیگر عرصه‌ها معنا بخشیده است و امروز زنان افغانستان موفق به کسب دست‌آوردهای فردی و جمعی خود شده‌اند.

دست‌آوردهایی که حضور زن را در جامعه، سیاست، فرهنگ و دیگر عرصه‌ها معنا بخشیده است و امروز زنان افغانستان موفق به کسب دست‌آوردهای فردی و جمعی خود شده‌اند.

دست‌آوردهایی که حضور زن را در جامعه، سیاست، فرهنگ و دیگر عرصه‌ها معنا بخشیده است و امروز زنان افغانستان موفق به کسب دست‌آوردهای فردی و جمعی خود شده‌اند.

دست‌آوردهایی که حضور زن را در جامعه، سیاست، فرهنگ و دیگر عرصه‌ها معنا بخشیده است و امروز زنان افغانستان موفق به کسب دست‌آوردهای فردی و جمعی خود شده‌اند.

دست‌آوردهایی که حضور زن را در جامعه، سیاست، فرهنگ و دیگر عرصه‌ها معنا بخشیده است و امروز زنان افغانستان موفق به کسب دست‌آوردهای فردی و جمعی خود شده‌اند.

دست‌آوردهایی که حضور زن را در جامعه، سیاست، فرهنگ و دیگر عرصه‌ها معنا بخشیده است و امروز زنان افغانستان موفق به کسب دست‌آوردهای فردی و جمعی خود شده‌اند.

دست‌آوردهایی که حضور زن را در جامعه، سیاست، فرهنگ و دیگر عرصه‌ها معنا بخشیده است و امروز زنان افغانستان موفق به کسب دست‌آوردهای فردی و جمعی خود شده‌اند.

دست‌آوردهایی که حضور زن را در جامعه، سیاست، فرهنگ و دیگر عرصه‌ها معنا بخشیده است و امروز زنان افغانستان موفق به کسب دست‌آوردهای فردی و جمعی خود شده‌اند.

نقش انرژی‌های نو در حفظ و افزایش جنگلات



درختان و جنگلات در پهلوی سایر مزایایی که دارد، یکی از منابع عمده تولید اکسیجن به شمار می‌رود. براساس نظریه متخصصان، هر درخت بالغ می‌تواند حداقل برای ۱۸ نفر اکسیجن تولید کند که بقای حیات همه زنده‌جان‌ها به شمول انسان‌ها متکی بر موجودیت این ماده حیاتی در کره زمین است. در ۴۰ سال گذشته، جنگل‌زدایی یکی از مضللات جدی در افغانستان بوده که با افزایش جمعیت در سال‌های اخیر شدت یافته است. جنگل‌زدایی با قطع درختان جنگلی و باغی به منظور ساخت‌وساز، پخت‌وپز، تهیه خوراک حیوانات، گرمایش و در مواردی صادرات به خارج کشور صورت می‌گیرد.

براساس گزارش سال ۱۳۹۸ خورشیدی اداره ملی احصاییه و وزارت زراعت و مالداري، ۱۸۰۰۰۰۰ هکتار جنگلات و زمین‌های جنگلی در کشور وجود دارد که ۲،۷۵ درصد مجموع ساحات قابل کشت افغانستان را به خود اختصاص داده است. در یک مقایسه، ساحات جنگلی در کوریا جنوبی ۷۳ درصد و در فنلند ۷۲ درصد گزارش شده است. اگر کشورهای همسایه و منطقه را مثال بزینم، ساحات جنگلی در هند ۲۴،۵ درصد، در ترکمنستان ۸،۵ درصد، در ایران ۶،۷۲ درصد، در پاکستان ۵،۳۱ درصد، در اوزبیکستان ۴،۴ درصد و در تاجیکستان ۲،۸۵ درصد است. جنگلات

در درختان در پهلوی تولید اکسیجن باعث ذخیره شدن آب‌های زیرزمینی، جلوگیری از فرسایش خاک و هم‌چنان لغزش زمین می‌شود. روی هم رفته، زیبایی طبیعت و افزایش گردش‌گری یکی دیگر از مزایای عمده جنگلات در کشورهای مختلف جهان است.

گسترش و حفظ جنگلات باعث افزایش تنوع زیستی و تعادل در ایکوسیستم حیات وحش می‌شود و گونه‌های نادر و کمیاب پرندگان و سایر حیات وحش را قادر می‌سازد تا به حیات‌شان ادامه دهند.

دولت در ۱۹ سال اخیر برنامه‌های متعددی را جهت افزایش و حفاظت جنگلات انجام داده است که به باور نویسندگان کافی و بسنده نیست. استفاده از چوب به منظور گرم کردن خانه‌ها و پخت‌وپز از سوی باشندگان مناطق شهری و روستایی، یکی از دلایل عمده قطع درختان و جنگلات در کشور به حساب می‌آید. عدم دسترسی پایدار به منابع کافی انرژی‌های پاک، عمده‌ترین دلیل این اقدام شهروندان است. در حال حاضر، دسترسی به انرژی برق در افغانستان در حدود ۳۵ درصد گزارش شده است که در مقایسه با کشورهای منطقه بسیار پایین است. این درصدی در مناطق روستایی به صفر تقرب می‌کند. بنابراین، در

مناطق روستایی و حتا در اکثریت مناطق شهری، استفاده از سوخت‌های فسیلی و به‌ویژه چوب یکی از گزینه‌های ارزان، مناسب و قابل دسترس جهت پخت‌وپز و گرم کردن اماکن رهايشی به شمار می‌رود. تمرکز و هزینه کردن میلیون‌ها دالر روی ایجاد جنگلات و ساحات سبز جدید در ۱۹ سال گذشته یک ابتکار نیک، ولی ناکافی است که توسط وزارت زراعت و سایر نهادهای ذی‌ربط در سال‌های گذشته روی دست گرفته شده است. اگر اولویت و توجه روی حفظ جنگلات موجود نباشد، هزینه کردن میلیون‌ها دالر در ایجاد ساحات سبز و جنگلات، تأثیر ملموسی روی افزایش ساحات سبز و جنگلات در کشور نخواهد داشت. استفاده از چوب و انرژی‌های فسیلی در تسخین خانه‌ها و پخت‌وپز یکی از دلایل عمده قطع جنگلات است. یکی از راه‌های موثر در حفظ و رشد جنگلات موجود، تسهیل دسترسی باشندگان کشور و به‌ویژه باشندگان مناطق دارای جنگلات، به انرژی برق است. دسترسی به انرژی‌های نو می‌تواند باعث کاهش قطع درختان و جنگل‌زدایی بی‌رویه در کشور شود. برق‌رسانی در مناطق دارای جنگلات باید اولویت حکومت باشد. این کار می‌تواند توسط یک و یا چند برنامه اساسی ذیل صورت گیرد:

اول - اتصال به شبکه ملی برق: مناطق جنگلی که در ساحه تحت پوشش شبکه‌های ملی برق موقعیت دارد، باید به شبکه وصل شود و مردم آن مناطق به برق کافی جهت تسخین و تنویر خانه‌های خویش دسترسی پیدا کنند.

دوم - تمدید شبکه ملی: ساکنان مناطقی که به شبکه سراسری توزیع برق نزدیک‌اند، باید با تمدید شبکه و ایجاد شبکه‌های فرعی به انرژی پایدار و قابل اعتماد دسترسی پیدا کنند.

سوم - ایجاد بندهای برق کوچک در مناطق دارای جنگلات: در مناطقی که دریاها، دریاچه‌ها و منابع طبیعی آبی وجود دارد، باید بندهای برق کوچک و متوسط ایجاد شود و مردم مناطق اطراف آن از انرژی برق مستفید شوند.

چهارم - ایجاد نیروگاه‌های برق سولری و بادی: افغانستان ظرفیت بسیار بالایی در راستای تولید انرژی خورشیدی و بادی دارد. ظرفیت تولید انرژی آفتابی کشور ۲۲۲ هزار و ظرفیت بالقوه تولید انرژی بادی در

هفتم - افزایش سطح آگاهی مردم در رابطه به حفظ و نگهداری جنگلات: یکی از روش‌های دیگر جهت حفظ و نگهداری جنگلات موجود، افزایش سطح آگاهی مردم از موجودیت و ارزش جنگلات است. این کار می‌تواند توسط حکومت، نهادهای غیردولتی و یا نهادهای تأثیرگذار محلی به شمول ملا امامان مساجد، مکاتب و شوراهای محلی صورت گیرد.

هشتم - تسهیل دسترسی مردم به سیستم‌های سولری به گونه قسطلی: تسهیل دسترسی مردم به بسته‌های سولری جهت تنویر و تسخین خانه‌ها و مقاصد پخت‌وپز در مقیاس معیاری، یکی دیگر از روش‌های موثر در راستای جلوگیری از کاهش جنگلات به شمار می‌رود. اکثریت جمعیت روستایی قادر به خریداری سیستم یک الی ۳ کیلووات خورشیدی در یک زمان نیستند. روی این ملحوظ، تسهیل دسترسی مردم به سیستم‌های سولری با اقساط ۵ الی ۱۰ ساله و بدون بهره بانکی یکی از موثرترین روش‌های ممکن جهت دسترسی به منابع انرژی پاک است.

نهم - اتصال به شبکه‌های برق کشورهای همسایه: در حال حاضر بخش عمده برق مصرفی افغانستان را برق وارداتی از کشورهای همسایه تشکیل می‌دهد. اتصال مناطق مرزی که دارای جنگلات و ساحات سبز است به شبکه‌های برق کشورهای همسایه، یکی از روش‌های موثر دیگر در راستای جلوگیری از قطع درختان و جنگل‌زدایی در کشور به شمار می‌رود.

نکته قابل اهمیت این است که سیستم‌های سولری در حال حاضر طی ۴ الی ۷ سال در افغانستان قیمت خویش را کشیده است و متباقی جز هزینه حفظ و مراقبت و تبدیل باتری در هر ۵ الی ۱۰ سال هزینه دیگری ندارد. این تکنولوژی روز به روز ارزان‌تر می‌شود و در ده سال گذشته قیمت سیستم‌های خورشیدی حد اقل ۵ برابر کاهش یافته است. پنل‌ها و یا صفحات خورشیدی بین ۲۵ و ۳۰ سال و باتری‌های ذخیره کننده برق هم بین ۵ الی ۱۰ سال عمر موثر دارد. برق سیستم‌های سولری از طرف روز بدون باتری و از طرف شب پس از ذخیره شدن در باتری‌ها استفاده می‌شود. سخن کوتاه این‌که یکی از عوامل عمده تغییرات اقلیمی و آلودگی‌های محیطی، کاهش جنگلات، باغ‌ها و مناطق سبز در شهر و روستاهای کشور است. جنگل‌زدایی در پهلوی افزایش آلودگی هوا، گرمایش زمین و زمین لغزش باعث فرسایش خاک نیز می‌شود. مناطق جنگلی افغانستان تنها ۲،۷۵ درصد زمین‌های قابل زرع را تشکیل می‌دهد که در مقایسه با کشورهای همسایه بسیار اندک است. اگرچه کاشت درختان و ایجاد کمربندهای سبز یکی از اقدامات تأثیرگذار در راستای افزایش جنگلات کشور به شمار می‌رود، ولی از طرف دیگر طرح و تطبیق استراتژی‌های موثر در راستای جلوگیری از قطع جنگلات و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان یک نیاز اساسی در این راستا است که تاکنون به آن توجه اندک شده است. به صورت واضح‌تر باید تمرکز بیشتر بر بالای راهبردهای صورت گیرد که سبب جلوگیری از قطع درختان در کشور و به‌ویژه مناطق دارای جنگلات انبوه می‌شود. یکی از این روش‌ها، تسهیل دسترسی باشندگان مناطق دارای جنگلات، به انرژی‌های نو است. این کار از طریق توسعه و یا تمدید شبکه ملی برق، ایجاد شبکه‌های جدید توزیع برق، تأسیس نیروگاه‌های کوچک و متوسط برق آبی، تهیه برق از کشورهای همسایه، ایجاد نیروگاه‌های برق آفتابی و بادی و هم‌چنان ترویج ابزارهای چون دیگ‌ها، آب گرم‌کن‌ها و بخاری‌های آفتابی و سایر محصولات از این دست، ممکن است. دولت و نهادهای بین‌المللی باید در این راستا باشندگان مناطق دارای جنگلات طبیعی را در راستای دسترسی به انرژی پایدار کمک کنند. دسترسی باشندگان مناطق جنگلی به انرژی پاک باعث افزایش سریع جنگلات و مناطق سبز در کشور خواهد شد.

بر اساس گزارش سال ۱۳۹۸ خورشیدی اداره ملی احصاییه و وزارت زراعت و مالداري، ۱۸۰۰۰۰۰ هکتار جنگلات و زمین‌های جنگلی در کشور وجود دارد که ۲،۷۵ درصد مجموع ساحات قابل کشت افغانستان را به خود اختصاص داده است. در یک مقایسه، ساحات جنگلی در کوریا جنوبی ۷۳ درصد و در فنلند ۷۲ درصد گزارش شده است. اگر کشورهای همسایه و منطقه را مثال بزینم، ساحات جنگلی در هند ۲۴،۵ درصد، در ترکمنستان ۸،۵ درصد، در ایران ۶،۷۲ درصد، در اوزبیکستان ۴،۴ درصد و در تاجیکستان ۲،۸۵ درصد است. جنگلات و درختان در پهلوی تولید اکسیجن باعث ذخیره شدن آب‌های زیرزمینی، جلوگیری از فرسایش خاک و هم‌چنان لغزش زمین می‌شود. روی هم رفته، زیبایی طبیعت و افزایش گردش‌گری یکی دیگر از مزایای عمده جنگلات در کشورهای مختلف جهان است.

حدود ۱۴۷ هزار میگاوات برآورد شده است. با ایجاد نیروگاه‌های خورشیدی در مناطق دارای جنگلات، زمینه دسترسی به انرژی پاک مساعد می‌شود. هزینه ایجاد این نوع نیروگاه‌ها در مقایسه با نیروگاه‌های آبی، هم ارزان است و هم در مدت زمان کم‌تر به بهره‌برداری سپرده می‌شود. کاهش قیمت سولر پنل‌ها در سال‌های اخیر این گزینه را ارزان‌تر ساخته است.

پنجم - توزیع اجاق‌های سولری و آب گرم‌کن‌ها و بخاری‌های آفتابی: توزیع اجاق‌های سولری و آب گرم‌کن‌ها و بخاری‌های آفتابی که جهت پخت‌وپز غذا، جوشاندن آب و سایر موارد این چنینی به کار برده می‌شود، یکی از مهم‌ترین اقدامات در راستای کاهش قطع جنگلات است. توزیع و ترویج این تکنولوژی‌ها چه به گونه رایگان و یا با سبب دسترسی دولت یکی ارزان‌ترین، آسان‌ترین و سریع‌ترین اقدامات ممکن جهت کاهش قطع جنگلات در مناطق جنگلی کشور به شمار می‌رود.

ششم - ترویج فرهنگ مدیریت موثر انرژی: مدیریت درست منابع انرژی و تهیه خانه‌های آفتاب‌رخ، یکی دیگر از گزینه‌های ارزان جهت کاهش قطع جنگلات در مناطق مختلف به شمار می‌رود. در حالت عادی، نزدیک به ۴۰ درصد انرژی در خانه‌ها و محلات رهايشی بنا بر دلایل مختلف از جمله دیوارهای بدون عایق، کلکین‌های دارای منفذ و... ضایع می‌شود. در ضمن، صرفه‌جویی در انرژی یکی دیگر از راه‌های کاهش مصرف انرژی و در نتیجه کاهش قطع جنگلات است که تاکنون به آن کم‌تر توجه شده است.

معروف شیبانی



دبیر بخش ویدیو: محمدنصیر کاوشگر
خبرنگاران: عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، هما همتا، الیاس طاهری، زهرا عطایی، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شعب حکیمی، پرویز کامروز
ویراستاران: علی نظری، اسحق علی احساس
صفحه آرایی: رضا مرادی
پدیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: تایمنی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیرمسول: مجیب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com
سر دبیر: خلیل اسیر 8am.daily@gmail.com
دبیر گزارش‌ها: حسیب بهش
دبیر بخش خبر: علی شاه حقمیل
دبیر بخش صلح: آسیه حمزه‌ای
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief:
Mujib Mehrdad
mujib_mehrdad@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

آنگسان سوچی یک روز پس از سرکوب خونین در میانمار با دو فقره اتهام جدید روبه رو شد



برای متفرق کردن تظاهرکنندگان دست به شلیک گاز اشک آور زدند. انجمن کمک به زندانیان سیاسی در میانمار تخمین میزند که از زمان کودتای نظامیان تاکنون حدود ۳۰ نفر از معترضان کشته شده‌اند. به گزارش این سازمان غیردولتی ۱۱۰۰ نفر نیز از زمان کودتا یا بازداشت شده و یا تحت پیگرد قضایی قرار گرفته‌اند. رسانه‌های دولتی میانمار هشدار داده‌اند که «تدابیر شدیدی» علیه «جمعیت آناشویست» در این کشور اتخاذ خواهد شد.

موفق به دیدار با مولکش نشده، اما حال رهبر دولت سرنگون شده میانمار «خوب» است. جلسه بعدی دادگاه رسیدگی به پرونده اتهامات آنگسان سوچی قرار است روز ۱۵ مارچ (۲۵ حوت) برگزار شود. معترضان به سرنگونی دولت تحت رهبری آنگسان سوچی روز دوشنبه با وجود سرکوب خونین تظاهرات روز قبل بار دیگر در خیابان‌های یانگون، بزرگترین شهر میانمار، تظاهرات کردند. ماموران انتظامی و نظامی

به گزارش یورونیوز، آنگسان سوچی، رهبر دولت سرنگون شده میانمار روز دوشنبه هم‌زمان با ادامه تنش‌ها در این کشور برای دو فقره اتهام جدید تحت تعقیب قضایی قرار گرفت. او در حالی به صورت مجازی و با استفاده از تماس ویدیویی در جلسه دادگاه حضور یافت که پیش از این به در اختیار داشتن دو دستگاه «واکی تاکی» ثبت نشده و نقض مقررات وضع شده برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا متهم شده بود. یکی از اتهام‌های جدید آنگسان سوچی «تشویق به ناآرامی» گزارش شده است. آنگسان سوچی، ۷۵ ساله، از زمان کودتای یک ماه پیش نظامیان در حصر خانگی به سر می‌برد. میانمار روز یکشنبه خونین‌ترین روز از زمان کودتا علیه دولت تحت رهبری آنگسان سوچی را پشت سر گذاشت. بنا بر اعلام سازمان ملل دست‌کم ۱۸ نفر روز یکشنبه در شهرهای مختلف میانمار به دست ماموران ضد شورش کشته شدند. تظاهرات علیه حکومت نظامیان با وجود گذشت چند هفته از کودتا همچنان ادامه پیدا کرده است. وکیل مدافع آنگسان سوچی اعلام کرد که هر چند هنوز



سازمان ملل سه میلیارد یورو کمک برای مردم یمن جمع‌آوری می‌کند

بحران یمن این کشور را در سرآشوبی یک فاجعه انسانی قرار داده است. سازمان ملل به منظور کمک‌رسانی به مردم گرسنه این کشور می‌خواهد سه میلیارد یورو کمک مالی جمع‌آوری کند. در حال حاضر چشم‌اندازی برای پایان جنگ یمن وجود ندارد.

دوپچه‌وله گزارش داده است سازمان ملل با نگرانی برآورد کرده است شمار کودکانی که در یمن دچار سوءتغذیه هستند، احتمالاً در سال جاری میلادی ۲۲ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته و به دو میلیون و ۳۰۰ هزار کودک زیر پنج سال خواهد رسید. از این تعداد ۴۰۰ هزار کودک در سال جاری میلادی در وضعیت گرسنه‌گی شدید و خطر مرگ خواهند بود.

از مدت‌ها قبل وضعیت انسانی در یمن به عنوان بدترین فاجعه انسانی در دنیا ارزیابی شده و مشکل سوءتغذیه به خصوص برای کودکان پیوسته افزایش یافته است. یک پزشک در شفاخانه‌ای در صنعا، پایتخت یمن، درباره علت گسترده‌گی سوءتغذیه و گرسنه‌گی به گزارشگر شبکه اول تلویزیون آلمان گفته است: «دلایل زیادی برای افزایش سوءتغذیه وجود دارد، به عنوان مثال خارج شدن سازمان‌های امدادی از یمن، بالا رفتن قیمت نفت و این که سازمان‌های امدادی دیگر نمی‌توانند دارو و غذا به مردم برسانند، به خصوص در مناطق بحرانی.»

با آغاز ریاست جمهوری جو بایدن و تغییر سیاست امریکا بسیاری امیدوار شده‌اند که وضعیت یمن رو به بهبودی بگذارد. ایالات متحده تا کنون از عربستان سعودی حمایت می‌کرد. ریاض چندین سال است که با حملات هوایی بر مواضع شورشیان حوثی قصد بازگرداندن قدرت به دولت رسمی یمن را دارد. این حملات اما تا کنون بنا بر گزارش‌های سازمان ملل و دیگر نهادهای حقوق بشری سبب کشته شدن شمار زیاد غیرنظامی شده است.

از سوی دیگر عربستان یمن را تحت محاصره قرار داده و این اقدام سبب شده است که کمک‌رسانی به مردم یمن سخت دشوار شود.

جو بایدن، رئیس جمهور امریکا، اعلام کرده که جنگ یمن باید پایان یابد. او تاکید کرده که به همین دلیل هرگونه حمایت امریکا از جنگ در یمن را متوقف کرده است. از جمله فروش سلاح به عربستان سعودی. او هم‌زمان حوثی‌های یمن را از فهرست تروریستی ایالات متحده خارج کرد تا برای ارسال کمک‌های انسانی بتوان با آن‌ها معامله کرد.

شورشیان حوثی اما این سیاست را به عنوان ضعف بایدن برآورد کرده و حملات خود را به خصوص در منطقه مأرب افزایش داده‌اند. مأرب آخرین منطقه در شمال یمن است که هنوز در اختیار دولت رسمی این کشور قرار دارد.

مارک لاکوک، هماهنگ‌کننده کمک‌های ضروری سازمان ملل گفته است: «افزایش تنش در این منطقه به شدت خطرناک است و صدها هزار نفر را در داخل یمن ناچار می‌کند تا برای حفظ جان‌شان فرار کنند. این در حالی است که همه در تلاش‌اند تا خطر مرگ در اثر گرسنه‌گی را کاهش دهند.»

با وجود این هشدارها منطقه مأرب درگیر شدیدترین نبرد در سال‌های گذشته است و هر دو طرف تلفات زیادی را متحمل شده‌اند.

بحران در ارمنستان؛ ورود معترضان به ساختمانی دولتی در ایروان



با جمهوری آذربایجان بر سر حفظ مناطق اطراف قره‌باغ شکست خورد، به طرح یک توافق صلح با میانجی‌گری روسیه تن داد. بسیاری از محافل و دسته‌بندی‌های سیاسی ارمنستان، توافقی که با میانجی‌گری روسیه به امضا رسید را مغایر منافع ملی میهن خود می‌دانند. شنبه گذشته (۲۷ فبروری) هزاران نفر از کنش‌گران سیاسی در برابر پارلمان ارمنستان در ایروان تظاهرات کردند.

برکناری نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر، هستند. با این که از سیر حوادث گزارش دقیقی به دست نیامده، آشکار است که دولت زیر فشاری سنگین قرار گرفته است. سه‌شنبه گذشته (۲۳ فبروری) رییس دولت به تقاضای ارتش برای کناره‌گیری پاسخ منفی داد و آن را تلاش کودتایی دانست. از آن زمان جنگ قدرت در ارمنستان ابعاد تازه‌ای گرفته است. زمانی که دولت ارمنستان در جنگ پاییز امسال

در پایتخت ارمنستان تظاهرکنندگان به زور وارد یک ساختمان دولتی شدند. مخالفان دولت خواهان برکناری پاشینیان هستند. آن‌ها به توافقی که دولت با جمهوری آذربایجان امضا کرده است، مخالف‌اند.

به نقل از دوپچه‌وله و به گزارش خبرگزاری ریا، در ایروان، پایتخت ارمنستان، شماری از تظاهرکنندگان خشمگین به زور وارد یک ساختمان دولتی شدند. مخالفان دولت خواهان

نتانیاهاو: حمله بر کشتی اسرائیلی، کار ایران بود

قرار داده است. کشتی اسرائیلی که روز جمعه دچار سانحه شد، روز یکشنبه، ۱۰ حوت، برای انجام تعمیرات در بندر «راشد» دبی پهلو گرفت. مقام‌های امارات متحده عربی از هرگونه اظهار نظر درباره پهلو گرفتن کشتی اسرائیلی در بندر راشد خودداری کرده‌اند. رسانه‌های اسرائیلی نیز گزارش دادند که این کشتی متعلق به رامی اونگار، از دوستان نزدیک رییس موساد، سازمان جاسوسی اسرائیل است. آقای اونگار در کشورش به «غول کشتی‌رانی» در امور بازرگانی معروف است.

مالک کشتی اما ارتباط میان بروز این سانحه با اسرائیلی بودن خود را رد کرده و این رویداد را بخشی از ادامه تنش‌ها میان ایران و امریکا دانسته است.

شبکه ۱۳ اسرائیل هم گزارش داده‌است که مقام‌های امنیتی اسرائیل معتقدند که حمله توسط سپاه پاسداران انجام شده و در جریان این حمله دو موشک به کشتی «اموی هلیوس ری» شلیک شده‌است.

نقطه به شدت آسیب دید. مقام‌های وزارت دفاع امریکا می‌گویند که این انفجار مرموز به ایجاد چهار حفره در بدنه این کشتی باربری منجر شده‌است. نخست‌وزیر اسرائیل در مورد مسوول دانستن ایران در این اقدام، جزئیات یا شواهدی ارائه نکرد، اما گفت که «ایران بزرگ‌ترین دشمن اسرائیل است و من مصمم هستم جلوی او را بگیرم. ما در حال هدف قرار دادن آن‌ها در کل منطقه هستیم.»

اظهارات آقای نتانیاهاو در حالی بیان شد که ارتش سوریه شامگاه یکشنبه، ۱۰ حوت، اعلام کرد که اسرائیل نقاطی را در حومه جنوبی دمشق هدف حملات راکتی خود قرار داده است.

پیش از این رخداد بنی گانتز، وزیر دفاع اسرائیل، گفته بود که کشورش «تقریباً هر هفته» دست به اقداماتی در سوریه می‌زند تا مانع فعالیت‌های نظامی ایران شود. برخی رسانه‌های اسرائیلی از جمله جروزالم پست نیز گزارش دادند که اسرائیل در حمله شامگاه یکشنبه خود مواضع مرتبط با ایران را هدف



نخست‌وزیر اسرائیل می‌گوید که حمله بر کشتی اسرائیلی در دریای عمان کار ایران بوده است. رادیو فردا گزارش داده است که بنیامین نتانیاهاو روز دوشنبه، ۱۱ حوت، در گفت‌وگو با رسانه اسرائیلی کان، در مورد حمله هفته گذشته بر کشتی موتوربر اسرائیلی در دریای عمان گفت: «این، کار ایران بود و این امر، واضح است.»

جمعه گذشته، کشتی «اموی هلیوس ری» یک شرکت اسرائیلی که زیر پرچم باهاما حرکت می‌کرد، در پی سانحهای مشکوک در دریای عمان از چهار